

# نبرد خلق

کارگران همه کشورها  
متحد شوید

جاویدان باد خاطره  
زنان و مردانی که در  
قیام دانشجویان و  
جوانان به شهادت  
رسیدند.

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

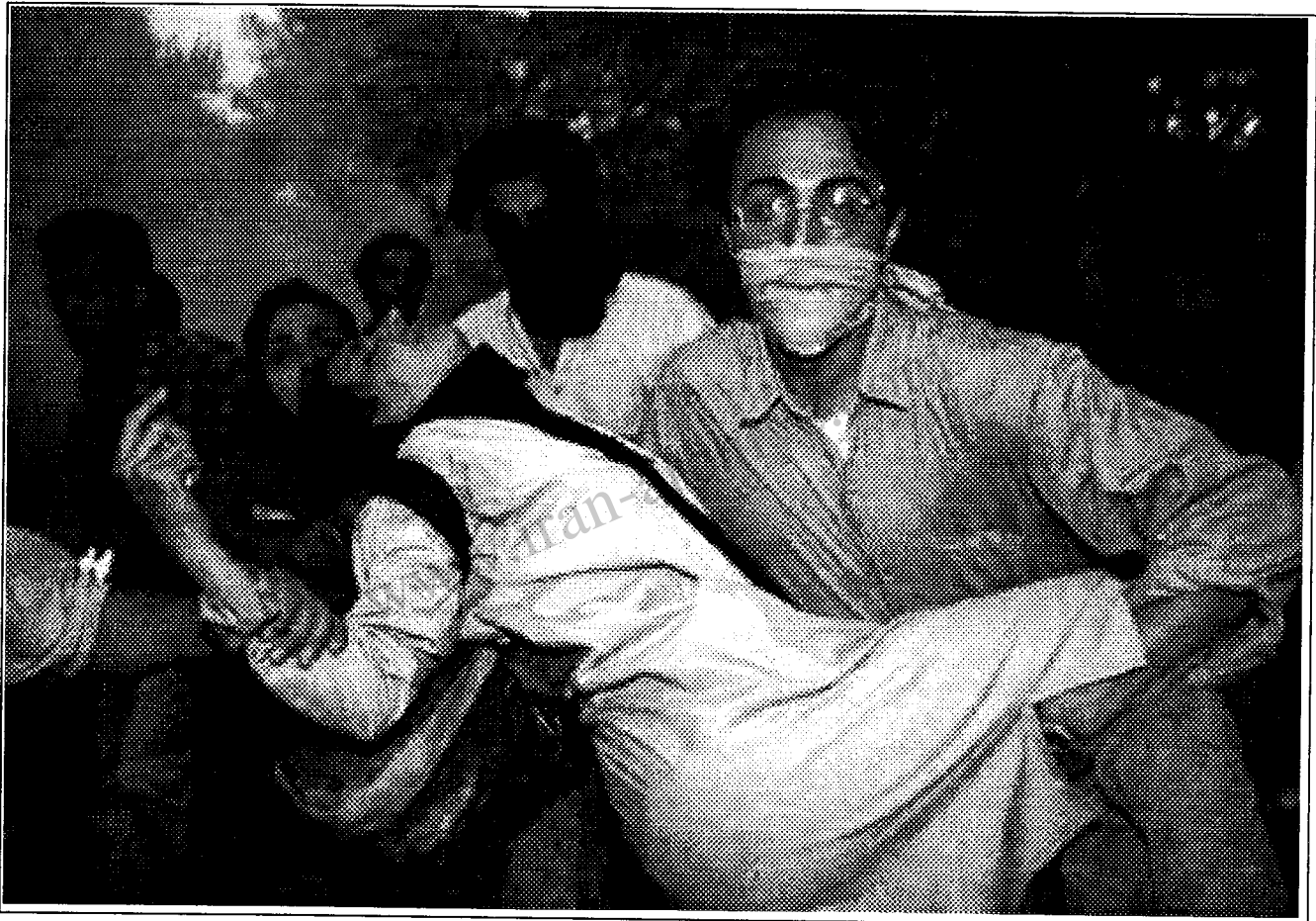
NABARD - E - KHALGH No 170 .23 July 1999

شماره ۱۷۰ دوره چهارم سال پانزدهم - اول مرداد ۱۳۷۸

\$ 1 , 2 DM , 7 Fr

آمریکا و کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک

## لحظه به لحظه گوئیم، زیر شکنجه گوئیم، یا مرگ یا آزادی



### یک دست جام باده و یک دست زلف یار رقصی چنین میانه ی میدانم آرزوست

زنده نظم عمومی بوده و در نهایت نیروی انتظامی ناحیه تهران بزرگ با عمل به وظیفه قانونی خود و به منظور اجرای دستورات مافوق اقدام به متفرق کردن اخلاف کنندگان در نظم عمومی نمود. اما جناح خامنه ای، وقتی شاهد گسترش قیام دانشجویان شد، مواضع خود را اندکی تعدیل کرد و موضعی دوگانه گرفت و در حال که به جناح خاتمی در مورد «استفاده ابزاری» از قیام دانشجویان هشدار می دادند، به نوعی سرکوب دانشجویان را «غیر قابل قبول» اعلام می کرد. با این حال مطبوعات طرفدار این جناح همچنان بر غیر بقیه در صفحه ۲

سراسر روز جمعه ۱۸ تیر، دارودسته خاتمی درصدد بودند تا این قیام را در کنترل خود درآورده و از آن در جهت اهداف خود استفاده کنند. جناح خامنه ای در ابتدا براین امر تاکید می کرد که این حرکت غیر قانونی بوده است. روزنامه کیهان در شماره شنبه ۱۹ تیر خود علت آغاز حرکت دانشجویان را «تحریک چند تن» دانسته و می نویسد که: «این تظاهرات شبانه و بدون مجوز قانونی» بوده است. روابط عمومی ناحیه انتظامی تهران بزرگ در اولین اطلاعیه خود در توضیح اعمال وحشیانه این نیرو در قبال دانشجویان معترض می گوید: «اجتماع دانشجویان غیر قانونی و بر هم

### یادداشت سیاسی

قیام دانشجویان و جوانان ایران با تظاهرات دانشجویان کوی دانشگاه تهران در پنجشنبه شب ۱۷ تیر شروع شد. این جنبش حق طلبانه با اعتراض دانشجویان کوی دانشگاه تهران به توقیف روزنامه سلام، اعتراض به تصویب قانون جدید مطبوعات و دفاع از آزادی اندیشه و بیان شروع شد و از همان دقایق اول با سرکوب نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روبرو شد. این قیام پس از دو روز به سراسر کشور بسط پیدا کرد و تمامیت رژیم و در رأس آن ولایت خامنه ای را مورد حمله قرار داد.

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

## یادداشت سیاسی ماه

بقیه از صفحه ۱

قانونی بودن حرکت دانشجویان در کوی دانشگاه پافشاری می کردند. روزنامه رسالت در شماره روز یکشنبه ۲۰ تیر می نویسد: «چرا گروهی در ساعات پایانی شب تصمیم می گیرد از کوی دانشگاه خارج شده و با ایجاد مزاحمت برای مردم، با شعارهای تحریک کننده و علیه مسئولان کشور راهپیمایی کنند» این در حالی است که در روز یکشنبه تقریباً در تمام دانشگاههای کشور دانشجویان برای گرامیداشت شهدای قیام دانشجویان پارچه های سیاه با شعراهایی در تجلیل از حرکت دانشجویی پرافراشته بودند.

سرانجام پس از آن که خامنه ای به این نتیجه رسید که مواضع نمایندگان در دانشگاهها کارساز نیست، خودش در روز دوشنبه ۲۱ تیر به روضه خوانی پرداخت و ضمن هشدار به جناح خاتمی برای رعایت «خط سرخ» به تملق گویی مژورانه از دانشجویان پرداخت و برای درآوردن اشک انصار حزب الله در مورد «قلب جریحه دار» شده خود روضه خوانی کرد و اعتراف نمود که دانشجویان علیه او شعار داده و عکسهایش را پاره کرده اند. اما خامنه ای در روزی به این تملق گویی از دانشجویان پرداخت که قیام دانشجویان در اتر مقاومت، ایستادگی و قاطعیت دانشجویان به سمت گسترش یک جنبش توده ای در سراسر ایران سمت گیری می کرد. خامنه ای هنگامی که روز سه شنبه شاهد بی نتیجه بودن تملق گوئیهایش شد و پس از آن که از بعد از ظهر روز دوشنبه تا عصر روز سه شنبه قیام دانشجویان به خیابانهای تهران گسترش یافت، طی پیامی اعلام کرد که «دو روز است که جمعی از اشرار با کمک و همراهی برخی از گروههای سیاسی ورشکسته و با تشویق و پشتیبانی دشمنان خارجی در سطح تهران به فساد و تخریب اموال و ارباب و عریضه جویی پرداخته و موجب سلب امنیت و آسایش مردم شده اند» وی سپس ادامه می دهد که «به مسئولان در دولت و بخصوص مسئولان امنیت عمومی تاکید شده است که با درایت و قدرت عناصر مفسد و محارب را بر جای خود بنشانند» بدین ترتیب خامنه ای که مسئول اول تمام جنایتهای رژیم است و «خشونت» را حق انحصاری خود و دیگر دسته بندیهای درونی ولایتش می داند به نیروهای سرکوبگر خود، به نیروهای انتظامی، به چماقداران، چاقوکشان و قداره بندان انحصار حزب الله دستور سرکوب دانشجویان را می دهد. عکسهایی که خیرگزارها از صحنه های سرکوب دانشجویان انتشار داده اند، اوج قساوت و وحشیگری مزدوران ولایت فقیه را نشان می دهد.

در قیام دانشجویان و مردم تهران، موقعیت خاتمی و نقش مژورانه او به خوبی آشکار شد. تمام تلاش خاتمی و جناح او این بود که از حرکت دانشجویان در کوی دانشگاه و سپس تحصن آنها در جهت امتیاز گرفتن بیشتر از خامنه ای استفاده کنند. روزنامه رسالت در شماره روز شنبه ۱۹ تیر نسبت به تاکتیک «فشار از پایین و امتیاز گرفتن در بالا» به خاتمی هشدار می دهد. خاتمی فکر می کرد که با این اکروبات بازی خواهد توانست به منافع خود دست یابد. اما از روز یکشنبه که پوچ بودن وعده وعیدهای خاتمی برای دانشجویان روشن شد. دیگر نه خاتمی و نه هیچیک از دسته بندیهای ۲ خردادی بر حرکت دانشجویان کنترلی نداشتند. اطلاعاتی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که روز یکشنبه ۲۰ تیر انتشار یافت. با توجه به دروغهایی که در آن گنجانده شده بود و با توجه به این که در رابطه با عاملان کوی دانشگاه فقط به تغییر دو فرمانده محلی نیروی انتظامی و دستگیری ۷ نفر بدون نام پسندیده کرده بود و به حداقل خواست دانشجویان و استادان که تغییر فرمانده نیروی انتظامی بود اساساً توجه نکرده بود، شعله های خشم

دانشجویی را شعله ورت کرد. بیهوده نبود که در همین اطلاعیه به دانشجویان هشدار داده بود که از «شعارهای غیر معقول و افراطی کردن حرکت سالم دانشجویی» دوری جویند. در مقابل این اطلاعیه «هیأت رئیسه و روسای دانشکده های دانشگاه تهران» تصمیم گرفتند که روز دوشنبه ۲۱ تیر ماه در مسجد دانشگاه تحصن کنند. روز یکشنبه حرکت دانشجویی به سراسر کشور بسط پیدا می کند و از روز دوشنبه حرکت دانشجویان به خیابانها کشیده می شود و از این نقطه خاتمی دیگر از «سید خندان» بودن دست بر می دارد و سیمای سرکوبگر خود را به روشنی نشان می دهد. روز دوشنبه همان نیروهای انتظامی و همان انصار حزب الله که دانشجویان کوی دانشگاه را سرکوب کرده بودند، دانشگاه را محاصره می کنند و دانشجویانی که حاضر نشده بودند تسلیم شوند به خیابانها سرازیر می شوند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم به گردانندگان دفتر تحکیم وحدت که سیاست تسلیم با خفت را پیش کرده بودند و دانشجویانی که در دانشگاه با خفت را پیش خود ادامه می دادند، حمله کرده و به گفته یکی از گردانندگان دفتر تحکیم وحدت، «متحصنین در میان شلیک گلوله، آتش و دود، دانشگاه را ترک کردند. خاتمی که جرات نکرده بود فرمانده نیروی انتظامی را تغییر دهد، در مقابل مردم بدون سلاح، فرمان آتش صادر کرد. دوشنبه شب، و تمامی روز سه شنبه قیام دانشجویان، جوانان و مردم تهران در ابعادی گسترده ادامه یافت. عصر روز دوشنبه وزارت کشور خاتمی هرگونه تحصن و تظاهرات را غیر قانونی اعلام کرد و مردم جواب او را در روز سه شنبه به خوبی دادند، شعارها از ظهر روز دوشنبه و تمامی روز سه شنبه علیه کل نظام بود. دانشجویان، جوانان و مردم در بسیاری از مراکز ستم و سرکوب حمله کرده و با اقدامات رادیکال خود فریاد می زدند «وای به روزی که مسلح شویم». رژیم درصد برآمد تا سرکوب خود را با یک «ضد تظاهرات» عین کند. تمامی دسته بندیهای رژیم قرار بر تظاهرات روز چهارشنبه گذاشتند. خامنه ای می خواست با این تظاهرات قدرت نمایی خیابانی کند و حمایت ۲ خردادها و دارودسته رفسنجانی از این حرکت، در حالی که لحظه به لحظه نیروهای سرکوبگر رژیم مردم را به گلوله می بستند، می کشند، زخمی و دستگیر می کردند، نشان داد وقتی مسأله سرکوب آزادی و مردم در میان باشد، تمام جناحها و دسته بندیهای رژیم یک چهره بیشتر ندارند و آنهم سرکوبگری. اما ضد تظاهرات روز چهارشنبه با شکست مقتضحانه روبرو شد و این در حالی بود که موج دستگیری همچنان ادامه داشت و حرکتهای مردم در گوشه و کنار شهر همچنان ادامه داشت. رژیم با به شهادت رساندن دها نفر، زخمی نمودن و دستگیری هزاران نفر تواسن در خیابانهای تهران تسلط یافته و قیام را سرکوب کند. پس از آن توبت سرهم بندی کردن اراجیف پیش آمد. تسلیم طلبان ۲ خردادی که با خفت تسلیم شده بودند این نغمه را ساز کردند که اقدامات رادیکال مردم در خیابانها کار همان «انصار حزب الله» بوده است. وزارت اطلاعات رژیم و شورای عالی امنیت و... اعلام کردند «غیر دانشجویان» در میان «دانشجویان» نفوذ کرده بودند. گویی غیر دانشجو بودن جرم است و مردم ایران نباید برای آزادی مبارزه کنند. نشریات جناح خامنه ای، از روز چهارشنبه ۲۳ تیر حمله به جناح خاتمی را آغاز کرده اند. قیام دانشجویان، جوانان و مردم تهران بر خلاف آنچه تسلیم طلبان و بریدگان سیاسی می گویند. موجب وحدت جناحهای تشکیل دهنده نظام ولایت فقیه نمی شود. رادیکالیسم این قیام آن چنان ضرباتی بر پیکر این رژیم وارد کرده که با هیچ ترفندی (و منجمله ترفندها و نقشه های رفسنجانی) دسته بندیها و باندهای درونی رژیم نمی توانند به یک اتحاد پایدار و قانونمند دست یابند. روزنامه رسالت برای بستن دهان طرفداران خاتمی و خاتمه دادن به چک و چانه زندهای آنها در شماره روز شنبه ۲۶ تیر خود می نویسد: «مجوز راهپیمایی در خارج از کوی دانشگاه

از طرف هیچ مرجعی به دانشجویان داده نشده بود» بدین ترتیب خامنه ای که در روضه خوانی روز دوشنبه قبل خود اشک تمساح ریخته بود، اکنون بر سر رقیب می زند تا اصل حمله به کوی دانشگاه را هم ملاحظور کند. روزنامه رسالت در همین شماره به تبعیت از سعید اسلامی یک سناریوی مضحک برای ملاحظور کردن خواسته های دانشجویان سرهم بندی می کند و می نویسد «از کجا معلوم، کسانی که قبل از حادثه کوی در برخورد با نیروی انتظامی دست به تیراندازی زدند و گروگان گیری کردند و بعد از حادثه کوی هم فجع ترین صحنه ها را پدید آوردند، در تخریب کوی دانشگاه سهیم نباشند». روزنامه رسالت در شماره روز یکشنبه ۲۷ تیر خود نیز یک سلسله اتهامات واهی و بی اساس را متوجه دانشجویان کرده و از این کانال جناح خاتمی را زیر ضرب گرفته است. بدین ترتیب روشن می شود که «اتحاد» برای سرکوب مردم، پس از موفقیت. باندها و جناحها را باز هم به جان هم انداخت. واقعیت این است که جنبش ترقیخواه مردم ایران وسیع تر و عمیق تر از آن است که در چارچوب تنگ جدالهای باندهای درونی حکومت خود را زندانی کند. این جنبش هر بار که سرکوب شود، باز هم شعله می کشد و با هر شعله خود، تضادهای درونی حکومت را باز هم تشدید می کند. در اینجا لازم است با یک بررسی اولیه، مهمترین نکات این قیام مردمی را جمع بندی کنیم.

۱- قیام دانشجویان نشان داد که «قانونگرایی» در رژیم استبدادی و مذهبی آخوندی، حرفی پوچ و بی معنی است. سید علی خامنه ای به عنوان ولی فقیه این نظام و مزدوران و عمله و اگره او اولین قانون شکنان در جمهوری اسلامی هستند. خصوصیت اصلی تمام دیکتاتورها این است که خود اولین نقض کننده قوانینی هستند که خود وضع کرده اند. کسانی که مدافع «قانون گرایی» در چارچوب نظام استبدادی و مذهبی ولایت فقیه هستند. یا مثل خاتمی سرسپرده ولی فقیه بوده و یا امثال ابراهیم یزدی هستند که به حیاتی خفیانه و البته خانثانه در چارچوب ولایت خامنه ای رضایت می دهند.

۲- در مورد سرکوب قیام حق طلبانه دانشجویان «شورای امنیت» رژیم با مسئولیت خاتمی ابتدا تلاش کرد با وقت گذرانی و فرسوده کردن دانشجویان و ایجاد تفرقه در صفوف آنان، ضمن پنهان کردن امران و عاملان اصلی حمله به کوی دانشگاه تهران و با تغییر چند فرمانده نیروی انتظامی، به هدف خود که همان سازش در بالا به قصد «مشارکت قانونمند» در قدرت است، دست یابد. اما دانشجویان، جوانان و مردم تهران این سیاست ضد مردمی را نقش بر آب کردند و نشان دادند که مسأله مرکزی مردم ایران مبارزه با دیکتاتوری و تحقق دموکراسی، عدالت اجتماعی و سکولاریسم است.

۳- قیام دانشجویان مبارزه ای مستقل از جناحها و باندهای تشکیل دهنده نظام ولایت فقیه بود. خواست اصلی و محوری این جنبشها، نابودی ولایت فقیه و تحقق یک ایرانی آزاد و دموکراتیک است. از آنجا که دموکراسی و آزادی، حتی در نطفه ای ترین شکل آن در تناقض اساسی با نظام ولایت فقیه است، هیچیک از دسته بندیهای نظام ولایت فقیه نمی توانند از این قیامها و جنبشها به سود اهداف ارتجاعی خود استفاده کنند. خاتمی از «توسعه سیاسی» تا جایی حمایت می کند که امر «مشارکت قانونمند» دارودسته او در قدرت را متحقق کند. در حالی که اصل اساسی یک توسعه سیاسی پایدار و مردمی، دموکراسی و حاکمیت مردم است.

۴- از این رو ما اعلام می کنیم که جنبشهای اجتماعی که بعضی از سرکردگان رژیم از آن به عنوان خطر «جریان سوم» یاد می کنند، پایه اجتماعی مقاومت انقلابی مسلحانه و سازمان یافته مردم ایران است و پیوند جنبش اجتماعی مردم ایران و جنبش مقاومت انقلابی مسلحانه سرانجام بر عمر ننگین این رژیم پایان خواهد داد. □

## خاتمی، خاتمی، شرمت باد، ننگت باد



## حداقل خواسته ها از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر

آنچه در زیر می آید، حداقل درخواستها از دبیرکل ملل متحد، شورای امنیت ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران و سایر نهادها و ارگانهای بین المللی مدافع حقوق بشر است. ما خواستار آنیم که رژیم ایران برای پذیرش این درخواستها تحت فشار قرار گیرد.

- اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی برای بررسی جریان حمله به کوی دانشگاه و معرفی عاملان و آمران آن و نیز بررسی پرونده قتلهای سیاسی اخیر.  
- تحویل اجساد شهدای قیام دانشجویان و جوانان به خانواده هایشان.

- خانواده ها و دوستان این شهدا باید آزادانه فرزندانشان را به خاک سپرده و برای آنان مراسم یادبود برگزار کنند.

- کلیه زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان قیام اخیر باید آزاد شوند.

### بعضی از شعارهای قیام دانشجویان، جوانان و مردم ایران

شعاری که در زیر چاپ می شود، بخشی از شعاری است که خیزگراییها، نشریه ها و اعلامیه های گروههای سیاسی، اجتماعی از قیام دانشجویان، جوانان و مردم ایران گزارش نموده و یا مستقیماً به نبرد خلق گزارش شده است.

لحظه به لحظه گوئیم، زیر شکنجه گوئیم، یا مرگ یا آزادی

حکومت زور نمی خواهیم، پلیس مزدور نمی خواهیم ایرانی می میرد، ذلت نمی پذیرد دانشجو به پا خیز، برادرت کشته شد ۱۸ تیر امسال، ۱۶ آذر ماست مرگ بر خامنه ای

سید علی پینوشه، ایران شیلی نمی شه دانشجوی سیاسی، آزاد باید گردد توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد وزیر اطلاعات، استعفا، استعفا

مجلس فرمایشی، انحلال، انحلال مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی انصار جنایت می کند، رهبر حمایت می کند جامعه مدنی، با ریش و پشم نمی شه

خاتمی، خاتمی، سید خندان پوشالی نیروی انتظامی، خجالت، خجالت خامنه ای حیا کن، سلطنت را رها کن خامنه ای حیا کن، رهبری را رها کن

مرگ بر خاتمی، مرگ بر خاتمی، دانشجوی، حمایتت می کنیم برود بر مجاهد

آزادی اندیشه، همیشه، همیشه فرمانده کل قوا، پاسخگو، پاسخگو مرگ بر یزدی

یزدی، یزدی، استعفا، استعفا خاتمی، خاتمی، شرمت باد، ننگت باد قاتلین فروهر، زیر عباي رهبر

وزیر کشور، استعفا، استعفا وزیر بی کفایت، استعفا، استعفا جنایت، خیانت، زیر عباي رهبر چنتی، چنتی اعدام باید گردد آزادی اندیشه، با دیکتاتور نمی شه

مرگ بر انحصار، مرگ بر انحصار می کشم، می کشم، آن که برادرم کشت وای به روزی که مسلح شویم

### همبستگی با قیام دانشجویان، جوانان و مردم

۹۰ رشته تظاهرات و تحصن ایرانیان در سراسر جهان

مریم رجوی از تظاهرات جهانی در همبستگی با قیام تهران تجلیل کرد

به دنبال قیام و تظاهرات گسترده دانشجویان و مردم تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران که در یک هفته گذشته ارکان رژیم آخوندی را به لرزه درآورد، هزاران تن از هواداران مقاومت ایران به ۹۰ رشته تظاهرات و تحصن در سراسر جهان دست زدند و سرکوب خونین و وحشیانه این تظاهرات ضد حکومتی و اعتراضات به دستور خامنه ای و خاتمی را شدیداً محکوم کردند.

تحصن کنندگان در سراسر اروپا و آمریکا بعد از ظهر امروز با قرائت پیامی از سوی خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران به تحصن خود پایان دادند. خانم رجوی در این پیام ضمن تجلیل از ایرانیان آزاده و سرفرازی که با سلسله تظاهرات و تحصنهای خود در سراسر جهان با مردم و دانشجویان به پا خاسته در داخل ایران ابراز همبستگی کرده اند، گفت: آنچه این روزها در خروش ضد استبدادی دانشجویان به پا خاسته و مردم میهنمان شاهدش هستیم، بازتابی از همان آرمان آزادی و حاکمیت مردمی است که مقاومت ایران به تحقق آن عهد بسته است. راستی که رژیم آخوندی در دین بست مرگبارش ماهیت خود را برملا می کند و دیدیم که آخوند خاتمی، شخصاً در تلویزیون ظاهر شد و متعهد شد که اعتراضات دانشجویان و قیام مردم را سرکوب کند. اکنون همه جهان نظاره گر تدفین سیاسی خاتمی و شمارهای عوامفریبانه اش است. در مرحله سرگونی رژیم نامشروع آخوندی، که به ثمر نشستن خون شهیدان را بیش از همیشه نوید می دهد، برای تحقق آزادی و حاکمیت مردم، همه شما را به حمایت هرچه بیشتر و فعالتر از مقاومت و ارتش آزادی، فرا می خوانم.

در بزرگترین این تظاهرات که روز جمعه ۲۵ تیر در واشنگتن برگزار گردید، ۱۲۰۰۰ تن از ایرانیان هوادار مقاومت در آمریکا در برابر بنای کنگره در واشنگتن دست به تظاهرات زدند و ضمن ابراز همبستگی با دانشجویان و مردم تهران و سایر شهرهای به پا خاسته ایران، حمایت خود را از مجاهدین و مقاومت ایران اعلام کردند. دو سناتور سرشناس و چهار تن از نمایندگان کنگره از احزاب دموکرات و جمهوریخواه

در حمایت از مجاهدین و مقاومت ایران و در حکومت رژیم ملایان در این گردهمایی سخنرانی کردند. هزاران تن از ایرانیان در کشورهای دیگر نیز طی روزهای اخیر با برپایی تحصن و تظاهرات، از دبیرکل ملل متحد و کمیسیون عالی حقوق بشر خواستار اعزام هیأت تحقیق به ایران برای بررسی وضعیت بیش از ۱۰ هزار تن که طی یک هفته تظاهرات و اعتراضات دستگیر شدند و تحقیق در باره کشته شدگان و مجروحین این خیزشهای بزرگ مردمی شدند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران  
۲۶ تیر ۱۳۷۸ (۱۷ ژوئیه ۱۹۹۹)

اطلاعیه شماره ۶

### دستگیری منوچهر محمدی و سناریوی مسخره وزارت اطلاعات

اواخر شب گذشته وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی طی اطلاعیه شماره ۳ خود، خبر دستگیری آقای منوچهر محمدی را اعلام نمود. استادان سعید اسلامی (امامی) با طرح یک سلسله اراجیف کهنه شده، درصدد برآمده اند تا از مسافرت منوچهر محمدی به خارج از کشور و احياناً بعضی از اعترافات او سوء استفاده کرده و قیام دانشجویان، جوانان و مردم را حرکتی که «از سوی بیگانگان طراحی شده اعلام کرده و به دنبال آن به سرکوب وحشیانه ادامه دهند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن دستگیری منوچهر محمدی و همه کسانی که طی روزهای قیام اخیر دستگیر شده اند، خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی است. ما اعلام میکنیم که:

۱- منوچهر محمدی طی مسافرتش به خارج از کشور در همه جا از خاتمی جنایتکار حمایت کرده و این امر کراراً خشم و نفرت ایرانیان آگاه و میهن دوست و ترقیخواه را برانگیخت.

۲- وزارت اطلاعات درصدد است تا با شکنجه و احتمالاً بعضی صحنه سازیهها و اعترافات تلویزیونی، سیمای قیام آزادیخواهانه دانشجویان، جوانان و مردم را مخدوش کند. از این رو تمامی اعترافاتی که زیر شکنجه سزودران وزارت اطلاعات سرهم بندی می شود فاقد اعتبار است.

۳- ما از نهادها و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی برای بررسی حمله به کوی دانشگاه و معرفی آمران و عاملان آن هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۷۸ - ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۹

## سرکوب و دستگیری دانشجویان متحصن، جلوه ای از قانونگرایی آخوند خاتمی

امروز نیروهای سرکوبگر ولایت خامنه ای، به تحصن تعدادی از دانشجویان حمله کرده و تعدادی از آنان را دستگیر کردند. این تحصن برای آزادی حشمت الله طبرزدی و تعدادی دیگر از زندانیان در مقابل دفتر ملل متحد در تهران صورت گرفت و از همان ابتدا با سرکوب نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندی روبرو شد. وزارت کشور خاتمی نیز به این دانشجویان برای گردهمایی مجوز نداده بود.

دستگیرشدگان امروز و کسانی که تحصن کنندگان خواستار آزادی آنان بودند. جلگی کسانی هستند که بارها اعلام کرده اند که خواستار فعالیت در چارچوب قوانین رژیم جمهوری اسلامی هستند.

اقدام امروز نیروهای سرکوبگر رژیم یکبار دیگر سیما «جامعه مدنی» و «قانون گرایی» خاتمی را به همگان نشان داد. همچنین حمله به تحصن کنندگان و دستگیری آنان این حقیقت را یک بار دیگر نشان داد که «قانون» در نظام ولایت فقیه چیزی جز سرسپردگی به ولایت خامنه ای نیست.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همانگونه که بارها اعلام کرده تنها راه رهایی مردم ایران و رسیدن به ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک را سرنگونی نظام ولایت فقیه می داند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن دستگیریهای امروز خواستار محکومیت قاطع رژیم آخوندی از طرف شورای امنیت ملل متحد و دیگر نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۵ تیر ۱۳۷۸ - ۶ ژوئیه ۱۹۹۹

## گرامی باد خاطره دانشجویانی که در مبارزه علیه ارتجاع و برای آزادی جان باختند

شب گذشته دانشجویان در مقابل کوی دانشگاه تهران (امیرآباد شمالی) با شعار «مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی» دست به یک تظاهرات گسترده علیه رژیم زدند. این تظاهرات گسترده که تا صبح امروز ادامه داشت، با حمله نیروهای انتظامی و نیروهای فلاتر انصارا لله روبرو شد و در جریان درگیری بین دانشجویان و نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندها، تعدادی از دانشجویان جان باخته و بیش از هزار تن دستگیر و یا زخمی شدند. در جریان درگیری دانشجویان شعار می دادند: توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با سرکوب جنبش حق طلبانه دانشجویان، نشان دادند که مبارزه اعتراضی دانشجویان را نمی توانند تحمل کنند و بنابراین در مقابل جنبش ترقیخواه مردم ایران و منجمله جنبش دانشجویی برای ساختن ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک راهی جز مبارزه برای سرنگونی نظام ولایت فقیه نمی ماند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران حمله مزدوران سرکوبگر دارو دسته خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی به تظاهرات دانشجویان را محکوم می کند. ما از تمامی مجامع و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار موضعگیری قاطع علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده و از این مجامع خواستار فشار برای آزادی دانشجویان زندانی هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران حمله مزدوران سرکوبگر دارو دسته خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی به تظاهرات دانشجویان را محکوم می کند. ما از تمامی مجامع و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار موضعگیری قاطع علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده و از این مجامع خواستار فشار برای آزادی دانشجویان زندانی هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۸ تیر ۱۳۷۸ - ۹ ژوئیه ۱۹۹۹



## قیام دانشجویان با ایستادگی، مقاومت و قاطعیت به پیش می رود

به دنبال تظاهرات چند روز گذشته دانشجویان در سراسر کشور و با توجه به قاطعیت، ایستادگی و مقاومت دانشجویان دلیر، صبح امروز خامنه ای مجبور شد شخصا به صحنه آمده و از سرکوب دانشجویان اظهار ندامت کند. خامنه ای مذبحانه کوشید تا بر سیاق روضه خوانها، با روده درازی و پرگویی و «هدار» به دانشجویان از این که قلبش از سرکوب دانشجویان جریحه دار شده، از نوشیدن جام زهر دیگری خودداری کند. خامنه ای در سخنان امروز خود به کینه و نفرت دانشجویان به ولایتش، شعار علیه او و پاره کردن عکسش اعتراف کرده است. این در حالی است که دانشجویان بدون توجه به توصیه های خاتمی و دارودسته او که دانشجویان را به «آرامش» دعوت می کنند شعار می دهند «انصار جنایت می کند، رهبر حمایت می کند»، «توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد»، «می کشم، می کشم، آن که برادرم کشت» و...

شورای عالی امنیت ملی رژیم با پنهان کاری در صدد است تا قیام دانشجویان را کنترل کرده و از پیشرفت آن جلوگیری کند. در چنین شرایطی ما یک بار دیگر خواستار اتحاد و مبارزه برای فرستادن یک هیأت تحقیق بین المللی برای بررسی سرکوب دانشجویان و معرفی ایران و عاملان این جنایت وحشیانه هستیم. ما ضمن محکوم نمودن سرکوب دانشجویان دانشگاهها، یک بار دیگر ضمن گرامیداشت خاطره شهدای دانشجوی، به خانواده های آنان تسلیت گفته و همبستگی خود را با قیام دانشجویان اعلام می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۲۱ تیر ۷۸ - ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۹

## مقاومت و قیام دانشجویان، سیاستهای مزورانه خاتمی را افشاء کرد

سراجم عصر دیروز، دوشنبه ۲۱ تیر، هنگامی که خاتمی و دارودسته اش به این نتیجه رسیدند که نمی توانند از قیام دانشجویان در جهت منافع ارتجاعی خود استفاده کنند، و در شرایطی که شاهد گسترش قیام دانشجویان به سراسر کشور بودند، عزم به سرکوب عریان قیام دانشجویان گرفته و وزارت کشور رژیم هرگونه تظاهرات را ممنوع و به نیروی انتظامی و انصار حزب الله که عامل اصلی حمله وحشیانه به دانشجویان کوی دانشگاه بودند فرمان سرکوب قیام دانشجویان را دادند. پس از آن نیروهای سرکوبگر دانشگاه تهران

را محاصره کرده و دانشجویان را مجبور به پایان تحصن خود نمودند. دانشجویان و توده های مردم از بعد از ظهر دیروز تا نیمه های شب در یک تظاهرات گسترده که دهها هزار نفر در آن شرکت داشتند، نفرت و انزجار خود را از سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اعلام کردند که مورد سرکوب نیروهای انتظامی و چماقداران انصار حزب الله قرار گرفتند. از صبح امروز، دانشجویان و جوانان کشور ما (که خاتمی آنان را تعدادی اخلاگر نامیده) دست به یک سلسله تظاهرات گسترده زدند و خاتمی مجبور شد ماسک «سید خندان» را از صورت خود برداشته تا همه چهره سرکوبگر «امام خمینی گونه» او را به خوبی مشاهده کنند. در تظاهرات امروز مردم شعار می دادند «خاتمی، خاتمی، سید خندان پوشالی». خبرگزاری رژیم (ایرنا) امروز به سیاق خاتمی دانشجویان و مردم را «آشوبگر» نامید و اعلام کرد که «آشوبگران که احتمالا از حمایت گروههای تروریست برخوردارند، بدون توجه به هشدارها و تذکرات نیروهای انتظامی که برای حفظ نظم و امنیت عمومی در محل حاضر شده اند، قصد ایجاد درگیری با آنان را دارند».

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یک بار دیگر ضمن همبستگی با قیام دانشجویان و جوانان ایران، سرکوب دانشجویان را شدیداً محکوم کرده و خواستار اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی به ایران برای بررسی رویدادهای چند روز اخیر که نقض آشکار حقوق بشر است می باشد. ما تمامی هموطنان در خارج از کشور را فرا می خوانیم که به هر شکل ممکن از قیام دانشجویان حمایت نمایند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
سه شنبه ۲۲ تیر ۱۳۷۸ - ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۹

## شکست بسیج خامنه ای و رسوایی خاتمی

به گفته تمام خبرگزاریها، تظاهرات امروز که خامنه ای برای آن بسیج بسیار کرده بود، با شکست کامل روبرو شد. تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات امروز بسیار کمتر از تظاهرات طرفداران «قانون اساسی» در روزهای قبل از سرنگونی رژیم شاه بوده است. تظاهرات امروز آنقدر مفتضحانه بود که تلویزیون رژیم تصویرهای تمام گزارشهای خبری اش از صحنه های جلو و نزدیک پخش می شد. مردم ایران با تحریم کامل و یکپارچه تظاهرات امروز، به شعار دیروز دانشجویان و جوانان که در قیام خود می گفتند «سید علی پینوشه، ایران شیلی نمی شه» پاسخ دادند.

شکست تظاهرات امروز که شرکت کنندگان آن اکثراً از اراذل انصار حزب الله و چاقوکشان حزب اللهی و چماقداران قدره بند بود، همچنین رسوایی آخوند خاتمی که دستور سرکوب قیام دانشجویان و جوانان را صادر کرده بود به نمایش گذاشت. مردم ایران هیچگاه جنایتهای مزدوران رژیم را فراموش نخواهند کرد. مردم ایران یاد و خاطره شهدای قیام دانشجویان و جوانان شهرهای ایران، به ویژه تهران و تبریز را گرامی خواهند داشت. و دارو دسته ارتجاعی خامنه ای خاتمی، هرگز نخواهند توانست صدای حق طلبانه مردم ایران و به ویژه دانشجویان را خاموش کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۳۷۸ - ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۹



عکس از رویتر

## وای به روزی که مسلح شویم

## سید علی پینوشه، ایران شیلی نمیشه

## یادداشت و گزارش —

ا.ش. مفسر

## انقلاب فرهنگی در ۲ پرده

پرده اول: اردیبهشت سال ۵۹ - یورش حزب الهی ها و لشکر انبوهی متشکل از چندین هزار نفر از اعضای انجمنهای اسلامی دانشگاهها و کارخانه ها و اداره ها و کمپنها تحت حمایت کمیته چپها و پاسداران مسلح به ۳ و تحت رهبری رئیس جمهور وقت به دانشگاه تهران، برای تصفیه دانشگاه از هواداران گروههای سیاسی، به ویژه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و کمونیستها که اتاق یا دفتری در دانشگاه داشتند. مشابه این یورش به دانشگاههای مراکز استانها نیز صورت می گیرد. نتیجه کشته و زخمی شدن گروهی از دانشجویان مبارز و آزادیخواه، به ویژه در دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران، فعلی) که در آنجا دانشجویان را در آغوش تاتر دانشگاه محبوس می کنند به رگبار مسلسل می بندند. شمارهای حمله کنندگان: «مرگ بر کمونیست مرگ بر منافق، بروگم شو کمونیست، درد ما درد تو نیست / حزیتون حزب مجل: رهبرتون لنین کچل / حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله / حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله / خمینی عزیزم بگو تا خون بریزم / حزب فقط...»

پرده دوم: تیرماه سال ۷۸ - یورش نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی و گروه انصار حزب الله به کوی دانشگاه برای سرکوبی دانشجویانی که با ماهانگی انجمنهای اسلامی در اعتراض به تعطیلی روزنامه سلام از سوی دادگاه ویژه روحانیت دست به تظاهرات زده اند. معرفی و توضیح: نیروی انتظامی چند سال پس از وقوع پرده اول از ادغام کمیته ها با شهرداری و ژاندارمری به وجود آمد. انصار حزب الله علاوه بر افرادی از جنس همین کمپنها چاقوکشهای حزب الهی ها پرده اول، از کمپنها جبهه دیده اند که زمانی در دوره جنگ اسم و رسمی داشتند؛ اما حالا در رژیم زیادی هستند و جز، حمایت دائمی معنوی و شرعی مقام معظم رهبری و حمایت مالی و رهنمودهای «اصول گرایان» اهل کسب حلال، پشتیبانی ندارند. موسوسی خوئینیها همان کسی است که «امام راحل» او را به عنوان سرپرست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در زمان «اشغال لانه جاسوسی آمریکا» تعیین کرده بود. نتیجه یورش به کوی دانشگاه بنابر اخبار چند کشته و دهها نفر زخمی، به آتش کشیده شدن مسجد کوی دانشگاه توسط مهاجمان که قرآنها نیز در آنجا سوخته اند، ویران کردن و به آتش کشیدن اتاقهای خوابگاه. شعار دانشجویان انجمنهای اسلامی در برابر انصار حزب الله و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی: «آزادی اندیشه همیشه همیشه، تعطیلی اندیشه نمیشه نمیشه. زنده باد آزادی مرگ بر استبداد / انصار جنایت می کند رهبر حمایت می کند / خامنه ای حیا کن رهبری رو رها کن».

پرده دوم که از پنجشنبه ۱۷ تیرماه آغاز شده، تا زمان نوشتن این مطلب در ساعت ۱۲ شب به وقت تهران یکشنبه ۲۰ تیر (برابر ساعت ۹/۰۳ شب به وقت اروپا) هنوز تمام نشده بود. من چند بار این نکته را یادآور شده ام که خامنه ای در مرکز نفرت نسل جوان و «نسل دوم انقلاب» از رژیم قرار دارد و در شماره پیش نوشتم که «خامنه ای چنان دچار منیت و تکبر شده که گاه به نظر می رسد اصلا هیچ چیز در اطراف خود نمی بیند و هیچ



عکس از رویتر

صدایی نمی شنود. اما این بار از طریق اخبار و گزارشهای رادیوهای خارجی که به آنها گوش می کند، حتما شنیده که «نسل دوم انقلاب» چگونه نسبت به او ابراز انزجار و نفرت کرده اند. همچنین این نکته را هم باید یادآور شد برگزاری انتخابات خبرگان با نظارت استصوابی شورای نگهبان که مورد اعتراض «نسل دوم انقلاب» بود، نه تنها پردی برای خامنه ای نبود، بلکه آتارش اکنون دارد ظاهر می شود و می توان دید که چه ضربه بی بین «خودپنیا» به اعتبار «مقام معظم رهبری» وارد آورده و این نکته را هم من همان وقت در مطلبی در مورد انتخابات خبرگان، یادآور شده بودم. باید در نظر داشت که رویدادهای اعتراضی اخیر دانشجویان - که توسط دفتر تحکیم وحدت و تشکلهای دانشجویی مجاز یا در عمل مجاز، هدایت می شود - در اعتراض به توقیف و تعطیل شدن روزنامه سلام از سوی دادگاه ویژه روحانیت شروع شد. این اقدام دادگاه ویژه روحانیت در پی شکایت وزارت اطلاعات رژیم از روزنامه سلام به خاطر چاپ یک نامه محرمانه از سعید امامی، مهره معدوم شده قتلهای زنجیره ای، صورت گرفت. این نامه سه شنبه ۱۵ تیر یعنی یک روز قبل از مطرح شدن طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس که از سوی نمایندگان جناح ولی فقیه برای محدودتر کردن مطبوعات تدوین شده، در روزنامه سلام چاپ شد. به گزارش خبرگزاری رژیم روزنامه سلام در تیتیر صفحه اول خود نوشته بود: «سعید امامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است». سعید امامی در نامه خود به وزیر اطلاعات نظراتی تحت عنوان «فضا سازی فرهنگی و کنترل آن، ساماندهی فرهنگی، ایجاد نظام فرهنگی» ارائه کرده و پیشنهاد محدودیتهایی برای نویسندگان ایران و تغییر قانون مطبوعات داده بود. به رغم انتشار این نامه در سلام کلیات طرح ارائه شده در مجلس به تصویب رسید. در گزارشهای مربوط به تصویب طرح مذکور گفته شد که ناطق نوری که معمولا در بحث در مورد طرحها، استناد به نظرات خامنه ای را جایز نمی داند یا با آن موافق نیست (برای این که نمایندگان با آزادی کامل نظر بدهند) اما این بار به نظر تایید آمیز خامنه ای در مورد این طرح استناد کرده است و نیز گفته شد که موقع

تصویب کلیات طرح مذکور حدود ۷۰ تن از نمایندگان در مجلس حضور نداشته اند. به هر حال اعتراضات دانشجویان و پیامدهای آن، در درجه اول ضربه سنگینی به ستون خیمه نظام ولایت فقیه بود. شعارهایی که علیه خامنه ای در این تظاهرات داده شد، تسکون در تظاهرات دانشجویان شنیده نشده بود. البته ریختن پشم سربازان گمنام امام زمان به ویژه بعد از واجبی خوراندن شدن به یک مهره «مخلص» آن، در طنین مکرر این شعارها در تظاهرات چند روزه دانشجویان، احتمالا بی تاثیر نبوده است. اما مسأله تنها این نیست. اهمیت قضیه در این است که به رغم این که تظاهرات و اجتماعات این دانشجویان، پیوسته با یورش انصار حزب الله و مأموران انتظامی رو به رو بوده آنان نه تنها دست از اعتراضات خود که عجاتا عملکرد جناح ولی فقیه و دستگاه قضایی و شورای نگهبان را بیشتر مورد هدف قرر می دهد برداشته اند، بلکه با تواتر بیشتر و با فاصله زمانی کمتر از تظاهراتی به تظاهرات دیگر پرداخته اند. خواستههای برخی از این تشکلهای دانشجویی، به مرور از غالب حمایت از خاتمی فراتر رفته و آزادی و رعایت حقوق شهروندان را به طور کلی در بر گرفته است. در بسین دو تشکل سراسری مجاز. یعنی دفتر تحکیم وحدت (اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشگاههای سراسر کشور) و دیگری اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان کشور. اولی دولتی و بیشتر تحت نفوذ وزارت علوم است و جناح ولی فقیه و رسانتیا بر سر تسلط بر آنها یا پرونده سازی علیه آنها تلاش می کنند. دومی بعد از رئیس جمهور شدن رفسنجانی و برای رقابت با دفتر تحکیم وحدت - که ظاهرا خط امامی باقی مانده بود - به وجود آمد. به هر حال دفتر تحکیم وحدت کنونی، که در ابتدای انقلاب برای مبارزه با دانشجویان مبارز و آزادیخواه و جاسوسی علیه آنها در دانشگاهها به وجود آمد، طبعاً دیگر نه از همان عناصر تشکیل شده و نه دیگر نقش آن روز را دارد. اکنون دفتر تحکیم که بی تردید یک تشکل وابسته به نظام و دولت است، دیگر جریانی است که نسبت به جناح ولی فقیه و شورای نگهبان موضع انتقادی دارد و بقیه در صفحه ۶

## یادداشت و گزارش —

بقیه از صفحه ۵

دعوا و عملکرد اصلیش در این زمینه جریان دارد و برخی شعب آن نگران تشکیل و توقیف بسیج دانشجویی در دانشگاهها هستند. در ماجرای تظاهرات و اعتراضات اخیر خواست دفتر تحکیم بر برکناری فرمانده نیروی انتظامی، و واگذاری این نیرو به وزارت کشور با اختیارات کامل و عذرخواهی شورای امنیت ملی از دانشجویان و آزادی دستگیرشدگان خلاصه شد، اما تشکل دومی که از آن یاد کردیم و طبرزدی از رهبران آن است خواستهای بیشتری از جمله آزادی زندانیان سیاسی رفع توقیف از نشریات توقیف و تعطیل شده سلام و نشریه خودشان هويت را مطرح کردند. اما اتحادیه ملی دانشجویان، خواستهایی که روز یکشنبه ۲۰ تیر مطرح کرد، در واقع حسابرسی از عملکرد ولی فقیه و مطلوب الاختیار کردن او بود. از جمله این خواستها، ملی شدن بنیاد مستضعفان، برکناری علی لاریجانی مدیر عامل رادیو تلویزیون، انتشار عملکرد خیرگان، رسیدگی به دوگانگی کار قوه قضائیه، آزادی کدیور و امیرانتظام و طبرزدی، انتشار تحقیقات مربوط به قتلهای زنجیره ای و ... بود. با این حال این را هم باید یادآوری کرد در تظاهرات روز ۱۹ تیر وقتی وزیر کشور خاتمی در جمع دانشجویان معترض سخنرانی می کرد و می خواست آنها را آرام کند، آنان ناراضیاتی خود را با شعار استعفا، استعفا نسبت به وی اعلام کردند و بی عملی و به شعار اکتفا کردن خاتمی را مورد انتقاد قرار دادند. در تظاهرات دانشجویان در همین روز شعار می کشم می کشم آن که برادرم کشت سر داده شد که باید زنگ خطری باشد برای همه دست اندرکاران رژیم و آنهایی که این نگرانی را به زبان آورده اند که اگر «سپیل راه بیفتد همه را خواهد برد». سرکوبی اعتراضات دانشجویان در تهران، سبب اعتراضات و تظاهرات دانشجویان در شهرهایی چون رشت و تبریز و مشهد شد. در روز ۲۰ تیر تعداد شرکت کنندگان تظاهرات در تهران بین ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر برآورد شده است. انصار حزب الله و نیروی انتظامی در این روز جرأت حمله به دانشجویان را نداشته اند. این رویداد تا زمان نوشتن این مطلب، سبب واکنشهای دلجویانه از سوی کسان و دستگاههای که به رهبر متصلند شده است.

آنها اقدامات نیروی انتظامی را محکوم کرده اند و جانشین فرمانده نیروی انتظامی در پیامی سخی کرد با نسبت دادن این اقدام به دسته کوچکی از نیروی انتظامی، مستقر در محل. این نیروی سرکوبگر رژیم را که پیوسته از انصار حزب الله حمایت کرده، تبرئه کند. گروه انصار حزب الله نیز شرکت نفرت وابسته به این گروه در یورش به خوابگاه دانشجویان را تکذیب کرد.

اگر مسأله از اعتراضات دانشجویی کنونی فراتر نرود و دانشجویان به همه یا قسمتی خواستهای که تاکنون مطرح کرده اند دست بیابند، نتیجه سیاسی کوتاه مدت آن، به گمان من این است که تکلیف مجلس ششم روشن شده است. حتی می توان گفت اگر دانشجویان وعده وعید مقامات رژیم را بپذیرند و به تظاهرات خود پایان دهند، باز هم این تظاهرات چند روزه به اندازه کافی باید برای مقامات رژیم و به ویژه جناح ولی فقیه هشدار دهنده بوده باشد که انفجار اجتماعی به هر بهانه ای ممکن است رخ دهد بنابراین به گمان من شورای نگهبان و جناح ولی فقیه چاره ای جز عقب نشینی در برابر جناح ۲ خردادی ندارد و به طور کلی، ناچار است «سنگر» های مورد نظر ۲

خردادیها را به آنها واگذار کند که در گام اول مجلس دوره ششم است. ۲ خردادیها، با به کار گرفتن تاکتیک «فشار از پایین و چانه زدن در بالا» در موقعیت برتری از رقیب قرار گرفته اند. شانس خاتمی و ۲ خردادیها وجود همین جناح هار است. اگر اینان یعنی جناح هار به گوشه انزوا رانده شوند یا به نحوی از صحنه سیاسی حذف شوند، آن وقت خود خاتمی با این دانشجویان دچار مشکل خواهد شد و به ناچار پنجه فولادین را از دستکش مخمل بیرون خواهد کشید. یکی از اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان و دانش آموزان به نام محمدرضا کسرانی در مصاحبه ای با رادیو فرانسه روز ۱۹ تیر (۱۰ ژوئیه)، در پاسخ به این سؤال که با توجه به حمایت دولت از دانشجویان، جای جنبش دانشجویی در جدال بین دو جناح رژیم کجاست، یادآور شد که دانشجویان فارغ از جدالهای درون حکومتی خواهان آزادی و مردمسالاری هستند و به دولت ویرانش یادآوری کرد که این جنبش، جنبشی هوشیار و اصیل است و اگر در دولت احتمالاً این تصور هست که با عقب نشینی نمایی می توانند جنبش دانشجویی را بازیچه قرار دهند، ضربه محکمی از این بابت خواهند خورد. وی در مورد اهداف جنبش دانشجویی گفت «هدف جنبش دانشجویی نفی حکومت فردسالارانه است. زمان حکومت فردسالارانه گذشته است. ما خواهان مردمسالاری و آزادی برای مردم ایران هستیم». بی تردید شورش چند روزه دانشجویان در برابر رژیم ولایت فقیه به عنوان رویدادی بزرگ در تاریخ مبارزات دانشجویی و مبارزات مردم ایران علیه استبداد و اختناق به یادگار خواهد ماند. اما دانشجویان عزیز آزادیخواه و طرفدار مردمسالاری خوبست که شعارهای مناسب خودشان را برای بیان این خواستها داشته باشند که هیچیک از جناحها نتوانند از جنبش آنان سو، استفاده کنند. مثلاً شعارهایی مثل «نظام مردمسالار ولی و رهبر نمی خواهد» و «حکومت مذهبی دشمن آزادی است». طرفداران ولایت فقیه طبعاً نمی توانند طرفدار آزادی و حکومت مردمسالار باشند به خاطر همین در برابر چنین شعارهایی ماهیت واقعی خودشان را برابر جنبش آزادی طلبانه دانشجویان نشان خواهند داد.

## واجبی خوراندن به سرباز امام زمان

ماجرای «خودکشی» سعید امامی یا اسلامی، رسوایی در جنایت، و جنایت در رسوایی از سوی رژیم روضه خوانهای خونخوار بود که باعث خنده هم میهنان و تمسخر دستگاه جنایت کشتر رژیم از سوی آنان شد. گرچه دستگاه وزارت اطلاعات رژیم در تربیت آدمکشان حرفه ای از کم نظیرترینها در جهان است. اما در سناریونویسی برای قتلها و آدم ریائیها، از ابله ترینها و کودن ترینها در جهان است. این بلاهت را آنان قبلا در سناریوی ربودن فرج سرکوهی به نمایش گذاشته بودند.

## جنایت، خیانت

## زیر عباي رهبر

## آزادی اندیشه

## همیشه، همیشه

من در شماره خرداد نبردخلق این احتمال را مطرح کرده بودم که دو جناح ممکن است در سازش برای مصلحت نظام، طی سناریویی، مثلاً فرار ساختگی، یکی دو مأمور مجری قتلها را بکشند و قال قضیه را بخوابانند. اما فکر نمی کردم که دستگاه آدمکشی رژیم، با چنین سناریوی مفتضحانه ای، سر یک مهره مخلص و پر کار خود را زیر آب که نه زیر واجبی بکند. چون آدمی که به قول حسینیان رئیس «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، اهل نماز و زیارت عاشورا بود، نمی توانست دست به خودکشی بزند که عمل حرامی است. در ثانی حالا که نسبت نفوذی بیگانه و عامل اسرائیل و آمریکا بودن به او زده بودند، سناریو فرار طبیعی تر بود و به هر حال برای یک سرباز گمنام زمان کشته شدن در حین فرار از زندان، آبرومندانه تر بود تا واجبی خوردن. به هر حال مرگ او و مراسمی که برای دفن و ختم او گرفته شد، به قول یکی از نماینده های مجلس نشان داد که قتلهای «محقلی» مال محافل چند نفره نبود، بلکه تعداد آنها «کمی» بیشتر است. البته این را اکنون همه مردم به خوبی می دانند که هويت قاتل و آمران این جنایتها برای دست اندرکاران رژیم و کسانی چون موسوی خوئینیها و سعید حجاریان کاملاً شناخته شده است و منشأ این قتلها به همانجا می رسد که در دادگاه میکنونوس روشن شد. منتها ۲ خردادیها و شخص خاتمی در پوشاندن هويت آمران و تلاش برای شیره مالیدن بر سر مردم با آن یکی جناح همکاری و همدستی می کنند. چون که اگر حکم شود که مست گیرند. در شهر هراتچه هست گیرند». اگر بنا بر حسابرسی علنی از کار دستگاه اطلاعات رژیم در جنایتهاى اخیر باشد. آتوقست معلوم نیست که رژیم بتواند دامنه سؤالیهاى را که در افکار عمومی مطرح می شود، به همین مورد محدود کند. چنان که سناریو خودکشی سعید امامی که با هدف ماستمالی کردن و درزگرفتن ماجرای قتلهای زنجیره ای صورت گرفت اکنون به ضد خودش بدل شده است. کیست که در این رژیم صاحب مقام و منصب بوده باشد و دستش آلوده به جنایت در ۲۰ سال حکومت سرکوبگرانه آخوندها، نبوده باشد.

زمانی دستگاه مخوف ساواک شاد چنان رعبی ایجاد کرده بود که مردم از بردن نام آن وحشت داشتند. اما روزی رسید که همین مردم با انقلاب خود آن رژیم را سرنگون و شکنجه گران و مهره های درشت ساواک را به اسارت درآوردند. آن وقت از زبان شکنجه گران شنیدند که فرزندان انقلابی آنها چگونه توسط جلادان در زندانها شکنجه شده و به قتل رسیده اند. اگر چه رژیم آخوندها بعداً گروهی از همانها را برای دستگاه سرکوب خودش به کار گرفت و جنایاتی هولناکتر از رژیم شاه مرتکب شد. به امید روزی که با سرنگونی این رژیم پرونده جنایتهاى بی شمار دست اندرکاران آنان در برابر مردم رسیدگی شود و جنایتکاران به کیفر برسند. □



## «خود» کشی سعید اسلامی (امامی)

توطئه جدید، ترند کهنه شده برای پنهان نگهداشتن عاملان و آمران قتل‌های سیاسی اخیر

## موضع گیری

## مسئول شورای ملی مقاومت ایران

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران روز ۳۰ خرداد گفت: سناریوی مسخره آخوندی که امروز در باره «عاملین اصلی» پرونده قتل‌های سیاسی در رادیو و تلویزیون رژیم به نمایش گذاشته شد، هیچ کس را در ایران نمی فریبد. آخوند خاتمی می تواند در ساخت و پخت کثیف و رذیله خود با خامنه ای، قتلها را به وسیله یی برای امتیازگرفتن و زد و بند به منظور کسب سهم بیشتری در قدرت تبدیل کند. اما چه کسی نمی داند که سناریوی امروز ساخته و پرداخته نشستهای پی در پی خامنه ای و خاتمی با گردانندگان وزارت جاسوسی و ترور و آدم کشی است.

پس از شش ماه «قایم باشک» سیاسی و «گرگم به هوای» اطلاعاتی و پس از انبوههای کش و قوس و دفع الوقت و طفره رفتن کمیته تحقیق خاتمی از اعلام اسامی آمران و عاملان قتلها، امروز کوه موش زایید و سرانجام آخوندکی که معلوم نیست به چه دلیل و با کدام مدرک علمی یا درجه نظامی به عنوان «رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح» گماشته شده است، اعلام کرد که از «چهار عامل اصلی» در پرونده قتلها، یک نفر دیروز در حمام خودکشی کرده است! آخوند مزبور هیچ نیازی به اعلام مشاغل و درجات همین ۴ نفر نیز در وزارت اطلاعات ندید و هیچ توضیحی هم راجع به این که چرا یک روز بعد از خودکشی نفر چهارم، به اعلام اسامی آنها مبادرت کرده است، نداد. وی در عین حال فراموش کرد که خودش در روز ۱۲ اردیبهشت ۷۸ عوامل اصلی را ۵ نفر اعلام کرده بود. نکند که نفر پنجم هم در حمام است! هم چنانکه در روزگار وزارت خاتمی و محتشمی (مشاور کنونی خاتمی و وزیر کشور وقت) در سال ۶۷ در مورد قاتل دکتر سامی نیز عیناً همین سناریوی «خودکشی در حمام» را به هم بافتند. البته آخوند نیازی برای اینکه خیال افکار عمومی داخلی و بین المللی را از هر جهت راحت کند، تاکید کرد فردی که دیروز خودکشی نموده است «اگر به خاطر این جرمها محاکمه می شد، به اعدام محکوم می شد!» راستی که مرغ پخته هم در شکم آخوندها به خنده می افتد و معلوم نیست چرا در ایران تحت حاکمیت آخوندها همه «عاملین اصلی» جنایتها به ناگهان در حمام خودکشی می شوند!

مسعود رجوی اضافه نمود که: تکرار می کنیم که اعزام یک هیأت بین المللی تحقیق در باره قتل‌های سیاسی ضرورت مبرم دارد و در این باره از دبیر کل ملل متحد و همه مراجع و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر استمداد می کنیم. اگر آخوند خاتمی هنوز مدعی قانونگرایی و جامعه مدنی است، می باید خواسته مردم ایران و فراخوان شورای ملی مقاومت ایران برای برگزاری یک محاکمه آزاد و علنی با شرکت قضات، وکلا، خبرنگاران و ناظران بین المللی را بپذیرد. والا تردیدی نیست که سردمداران رژیم با کشتن یکی از سرنخها می خواهند تمامی پرونده قتل‌های سیاسی را که به دستور خود آنها انجام شده است و ۴۷ مورد آن اخیراً توسط مقاومت ایران افشا گردید، لاپوشانی کنند.

هست، مراقبت می کردند. حرکات متهم زیر نظر بود که یک مشکلی پیش نهاد. حتی در لحظه یی که آقای سعید اسامی در داخل حمام خودکشی کرد، در همان لحظه هم مأمور مراقبت بالای سر ایشان بوده و از درپچه حمام مراقبت می کرده، علیرغم این از یک لحظه ظاهراً به این شکل که به مأمور مراقب می گوید که، درخواست می کنه که برای این که من کار دارم، یک لحظه مثلاً نکات رو اون طرف بکن، از حیاء مأمور در واقع استفاده کرده و یک لحظه این دارو رو خورده که مأمور هم سریع متوجه می شه که این دارو را خورده، سریع او را به بیمارستان منتقل می کنند، بلافاصله به بیمارستان تخصصی، همانطور که عرض کردم، ولی متأسفانه عرض کردیم، پزشکان تلاش کردند، از روز چهارشنبه که این اقدام صورت گرفت تا روز شنبه و تلاش پزشکان به جایی نرسید و متأسفانه ایشان فوت کرد. بازجوییهای مکتوب ایشان هم موجوده، همه در پرونده، ایشان از زمانی که موضوع هدایت بیگانگان در این قتل‌های اخیر به صورت جدی مطرح شد و وابسته بودن این جریان و این اقداماتی که انجام شد، به سرویسهای بیگانه و کشورهای خارجی مطرح شد به صورت جدی و همینطور معلوم شد که با اسناد و مدارک که ایشان یکی از عاملین اصلی قتل‌هاست، ایشان اقدام به خودکشی کرد.

اطلاعات لحظه یی پرونده، اطلاعات مهمش به اطلاع مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری، ریاست محترم قوه قضائیه و مسئولان عالیرتبه سران قوای کشور رسیده و از این به بعد هم می رسه.

خرداد - در یادداشتی تحت عنوان «زستان ۷۷»، بهار ۷۸، ۶ ماه گذشت اسامی ۴ قاتل اعلام شد... نوشت: «صرف نظر از همه افسوسهایی که خودکشی و امکان خودکشی فرد مزبور برمی انگیزد (به ویژه با توجه به فقدان اطلاعات بیشتر در این خصوص)، معلوم نیست چگونه می توان از خودکشی یکی از عوامل اصلی و محوری این قتلها در شرایطی که به گفته آقای نیازی «ابعاد گسترده قتل‌های اخیر هنوز کامل نشده است» به سهولت گذشت ضمن این که این پرسش اساسی مطرح است که پس از ماهها عبور زمان، اعلام ۴ اسم و طرح خبر خودکشی عامل اصلی قتلها، تا چه حد برای اذهان جامعه واجد خیر تازه ای است؟ و اساساً دستگاه قضایی کشور چگونه نتوانسته است از خودکشی عامل اصلی قتلها پیشگیری کند؟

تهران تایمز - به نقل از مسعود رضایی سردبیر هفته نامه ارزشها نوشت: کسانی که از چنین جانمایی مراقبت می کنند باید به خاطر بسپارند که کسانی مانند امامی، یا توسط کسانی که نمی خواهند اطلاعات بروز کند کشته می شوند و یا دست به خودکشی می زنند. رضایی افزود که در نتیجه این حادثه شایعات پراکنده می گردد و جو برای دنبال کردن پرونده زهرآگین می شود. در خصوص پاسخگویی وزیر اطلاعات در این مورد، وی گفت که کلیه مسایل به وزیر ارتباط ندارد.

سلام - تحت عنوان سعید اسلامی (امامی) که بود؟ سعید اسامی که عامل اصلی قتل‌های مشکوک معرفی شده در سالهای اخیر به سعید اسلامی مشهور بوده است. وی در ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان دانشجو در آمریکا مشغول به تحصیل بوده و دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت و همکاری رسمی خود را با وزارت اطلاعات آغاز کرده بود. در آن زمان گفته می شود که فردی که او را در

بقیه در صفحه ۸

روز ۳۰ خرداد امسال، آخوند نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح رژیم در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن اعلام اسامی ۴ نفر از کسانی که به گفته وی در قتل‌های سیاسی زنجیره ای شرکت داشتند، اعلام نمود که سعید اسلامی (امامی) با داروی نطفات خودکشی کرده است. اعلام خودکشی سعید اسلامی یک دروغ آشکار است که هدف آن پنهان نگهداشتن عاملان و آمران این قتل‌هاست. رژیم، سعید اسلامی (امامی) را که مسلماً در جنایتکار بودن او و نقشی که در قتل‌های سیاسی اخیر داشته، جای هیچگونه شک و وجود ندارد، توسط همین وزارت اطلاعات که وی سالها معاون امنیتی آن بود به قتل رسانده است. مردم ایران این را به خوبی می دانند و به اشکال مختلف، خبر خودکشی او را به مسخره می گیرند و مطبوعات جناحهای مختلف رژیم مجبور می شوند دست یکدیگر را رو کنند و در زیر به بخشی از گفته ها و نوشته ها پیرامون این مسأله می پردازیم.

## یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۸

خبرگزاری رژیم (ایرنا) رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح روز یکشنبه اسامی چهار تن از عاملان قتل‌های اخیر را اعلام کرد.

حجت الاسلام محمد نیازی در گفتگو با ایرنا گفت عاملان اصلی با توجه به تحقیقات انجام گرفته «مصطفی کاظمی»، «مهرداد عالیخانی»، «خسرو براتی» و «سعید امامی» هستند.

وی افزود برخی از افراد بازداشت شده از نیروهای اطلاعاتی و بعضی نیز دارای شغل آزاد هستند.

وی تصریح کرد برغم مراقبتهای ویژه ای که از «سعید امامی» یکی از عوامل اصلی و محوری این قتلها به عمل می آمد وی روز شنبه به موقع استحمام در بازداشتگاه با خوردن داروی نطفات (مویز) خودکشی کرد.

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح افزود تاکنون تعداد ۲۳ نفر به عنوان متهم در این پرونده تحت تعقیب قرار گرفته اند که بعد از تحقیقات لازم برخی از آنان با سپردن وثیقه آزاد شده اند و ۳۳ نفر نیز به عنوان مطلع و گواه در این پرونده مطرح هستند.

نیازی اعلام کرد در جریان تحقیقات سه نفر دیگر نیز اخیراً دستگیر شده اند که نتیجه تحقیقات در این زمینه متعاقباً اعلام خواهد شد.

## دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۷۸

تلویزیون رژیم - حرفهای نیازی: زمانی که معلوم شد، این چهار نفری که ما دیروز اسامیشون رو اعلام کردیم، در واقع عناصر اصلی این قتل‌های مشکوک و اخیر هستند، طبعاً در زندان با حساسیت و توجه خاص اینها نگهداری می شوند، در طول ۲۴ ساعت، مراقب اینها بودند، در داخل سلول، از چشمی که داخل سلول

## «خود» کشی سعید اسلامی (امامی)

بقیه از صفحه ۷

وزارت اطلاعات گزینش می کرد، ابراز نظر کرده که او به هیچ وجه نباید در مسایل امنیتی در آن وزارت به کار گرفته شود لیکن سعید اسلامی پس از چندی به بخش امنیتی آن وزارت راه می یابد به طوری که بعدها در زمان وزارت آقای فلاحیان به عنوان معاون امنیتی وزارت اطلاعات منصوب می گردد.

چون - باید گفت چنین حادثه ای از مدتها قبل در محافل سیاسی و امنیتی پیش بینی می شد و از سازمان قضایی نیروهای مسلح انتظار می رفت حتی با در نظر گرفتن یک احتمال ضعیف از پیش آمدن این اتفاق جلوگیری کند.

صبح امروز - در یاداشتی به قلم اکبر گنجی نوشت: «من در زمستان سال ۱۳۷۶ به مدت ۳ ماه در زندان اوین محبوس بودم در سلول انفرادی هیچ وسیله و امکاتی برای خودکشی وجود ندارد. هر نیم ساعت یک بار نگهبان از پشت چشمتی به داخل سلول می نگردد. در زمانی که من زندانی بودم، حمام رفتن هفته ای یک بار و به مدت پنج دقیقه و کاملا تحت کنترل بود، به گونه ای که نگهبان کاملا می توانست زندانی را از بیرون مشاهده کند و مراقب حرکات او باشد. اینها همه در باره زندانیهایی بود که اتهامشان مطبوعاتی، سیاسی، مواد مخدر، اختلاس و ... بود. اما طبعاً (کلید طلایی) تاریخانه به مراقبت ویژه نیاز داشت و این نکته ای نیست که بر متخصصان زنده وزارت اطلاعات معلوم نباشد. پس اگر غفلتی صورت گرفته و به واقع سعید امامی با داروی نظافت خودکشی کرده است. کلیه افرادی که با سو، تدبیر خود امکان این واقعه را فراهم کردند، در این ماجرا مقصرند و باید پاسخگو مردم شریف ایران باشند.

صبح امروز - با اشاره به درخواست دادستان نظامی از مطبوعات مبنی بر این که به همکاری خود با دادگاه ادامه دهند، نوشت: معنی این امر اشاره به سکوت مطبوعات در ماجرای رسیدگی به پرونده قتل‌های سیاسی است. اکنون مطبوعات در برابر حاصل سکوت از سر مصلحت اندیشی خود قرار گرفته اند.

آیا این بیان را که چنانچه سعید امامی به دادگاه می رفت حتما اعدام می شد نباید به معنای آن دانست که او نقطه پایان این ماجراست؟ آیا ذکر این امر به معنای تلاش برای تشفی بازماندگان مقتولین و راضی کردن آنها به قبول خودکشی به عنوان پایان مجازات نیست؟ آیا سکوت کردن در برابر این پرسشها و پرسشهایی از این دست حق مردمی است که برای بر ملا شدن دست این جنایتکاران قربانی داده اند؟ چه کسی تضمین می کند که اگر مطبوعات سکوت کنند ارایه توضیحاتی از این دست، پایان رسیدگی به پرونده مهمترین قتل‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران نباشد؟

تهران تایمز - عنصری که با نفوذ در وزارت اطلاعات مراحل رشد را طی می کند و تا رده معاونت امنیت این نهاد حساس پیش می رود و هشت سال در این معاونت باقی می ماند به سهولت می تواند اطلاعاتی ذی قیمتی مدفون کند. شبکه ای را که این فرد در این مدت هدایت کرده است باید بزرگترین شبکه جاسوسی قرن خواند. سعید امامی که به عنوان اسلامی شناخته می شده است. از یک خانواده شیرازی است که نیاکانش یهودی بوده اند.

## سه شنبه اول تیر ۱۳۷۸

سلام - در دوران آن وزیر (وزیر سابق اطلاعات) و این معاون (سعید اسلامی) حوادث مهمی همچون اقدام

برای فرستادن اتوبوس حامل گروهی از روشنفکران و دگراندیشان به قمر دره و قتلها و بازداشت‌های مشکوک صورت گرفت که نه تنها در ایران، بلکه در خارج از کشور نیز انعکاسی گسترده یافت. طبعاً هیچ فردی که با آقای مدیری در زمینه های اطلاعاتی و امنیتی آشناسات نمی تواند بپذیرد که این اقدامات با چنین اهمیتی به دور از اطلاع و چشم وزیر صورت گرفته باشد. باید وزیری که چنین فردی را تا این حد ارتقا داده است که به آن اقدامات انجامیده و ادامه آن در دولت فعلی به قتل‌های اخیر انجامیده است، توضیح دهد که آیا در جریان اقدامات چنین معاونتی بوده یا نبوده است.

خرداد - به نقل از یکی از خوانندگان نوشت: می خواستم از رئیس سازمان قضایی به خاطر اطلاعات جامع و کاملی که در رابطه با قتل‌های محفلی دادند تشکر کنم چون اگر ایشان نمی گفتند که ۴ تا مرد قاتل هستند ما فکر می کردیم ۴ موجود فضایی این قتلها را مرتکب شدند و از این مسئولین خواهش می کنیم که پیش تر از این به فهم و شعور ملت ایران توهین نکنند و این گونه اطلاعات را برای خودشان نگه ندارند.

همشهری - در مطلبی به قلم محمد یگانه نوشت: به راستی سهل انگاری در برابر اقدام به خودکشی مجرمی تا این حد پیچیده که بنا به ماهیت اطلاعاتی خود قطعاً از بسیاری شگردها و زیر و بمهای مسائل امنیتی و اطلاعاتی آگاه بوده را چگونه می توان توجیه کرد؟ آیا باید این موضوع را حمل بر کیفی بودن فوق العاده زندانی کرد یا بی توجهی و ساده انگاری محافظان، بازجویان و در نهایت دستگاه مسئول؟

مرگ سعید امامی نه پس لرزه که زلزله ای در ادامه زلزله های قتل‌های محفلی محسوب می شود و بی گمان دست اندرکاران مربوطه خود به خوبی آگاهند که اگر در سؤا مقدور و بنا احتساب مصالح امنیتی و منافع ملی رازهای سر به مهر پرونده قتل‌های زنجیره ای را که طی بازجوییها و تحقیق و تفحصا به دست آورده اند بگشایند، هر چه سریعتر راه بر حدس و گمان و شیوع شایعاتی احتمالی بسته می شود.

خرداد - به نقل از خواننده دیگری نوشت: در اختیار ساعت ۹ شب در مورد قاتلین صحبت شد که یکی از ۴ تن قاتلین که قاتل اصلی هم بود به نام امامی در حمام خودکشی کرده، خودکشی این قاتل مرا یاد قاتل دکتر سامی انداخت که ایشان هم در حمام خودکشی کرد.

سلام - دری نجف آبادی وزیر سابق اطلاعات در پاسخ مطلب مندرج در شماره (دوشنبه) روزنامه سلام در باره سعید امامی توضیحی ارسال کرده که در شماره دیروز سلام به شرح زیر چاپ شد. در شماره ۲۳۲۶ مورخ ۷۸/۳/۳۱ مطلبی نوشته شده که مستدعی است طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات توضیح ذیل را به همان صورت و در همان صفحه درج فرمایید.

۱- سعید امامی در زمان بنده مسئولیت امنیتی و اجرایی نداشته است و قبل از بنده نیز از این مسئولیت کنار گذاشته شده بود.

۲- در زمان اینجانب نیز تنزل رتبه داده شده و به یک کادر حاشیه ای و بدون مسئولیت اجرایی گمارده شد.

۳- شرط یا دستوری از طرف ریاست محترم جمهوری در رابطه با عزل ایشان به بنده نرسیده بود.

۴- از زمانی نیز که متوجه شدم عاملین قتلها از دوستان ایشان بوده اند و مجدداً ایشان نیز در اختیار کارگزاری قرار گرفت.

سلام در ارتباط با بند ۳ از پاسخ آقای دری، یادآوری می کند که این روزنامه در منبع خبر مزبور هیچ گونه تردیدی ندارد.

کیهان - حسن شرعتمداری - از هنگام ماجرا تا دستگیری و بازجویی عاملان، اگرچه همگان بر نفرت انگیز بودن این اقدام تاکید ورزیده اند، ولی پاره ای از

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۷۸

خبرگزاری ایرنا - سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران روز شنبه در اطلاعیه ای، ادعای برخی از روزنامه ها در خصوص جنون یکی از عاملان قتل‌های مشکوک اخیر تهران، در زندان را تکذیب کرد. در این اطلاعیه، خطاب به مطبوعات آمده است، با توجه به این که طرح این گونه مطالب باعث تشویش اذهان عمومی شده و در روند رسیدگی پرونده اختلال به وجود می آورد لذا ضمن تذکر رعایت قانون مطبوعات، به تمامی جرایم تاکید می شود از چاپ اخبار مربوط به این پرونده به نقل از منابع غیر مسئول اجتناب کنند.

شواهد و قرائن موجود این احتمال را قوت می بخشند که برخی از افراد و جریانها از پیگیری دقیق ماجرا و کشف انگیزه اصلی عاملان قتلها، خشنودی چندانی ندارند و با جنجال آفرینی و انگاره سازی می کوشند، رسیدگی به این پرونده را از مسیر قانونی و منطقی آن منحرف کنند، چرا؟ بعد از کشف ماجرای قتلها، با اشاره به سخنان انقلابی و غیرتمندانه سردار رحیم صفوی، اصرار داشتند که انجام قتلها را به سپاه نسبت بدهند و از سوی دیگر - در مراسمی که به بهانه شهبای قدر از جانب طرفداران آقای منتظری در مسجد حسین آباد اصفهان برپا شده بود، نامه معمولی پخش گردیده و در آن وانمود شده بود که در دستور انجام قتلها خطاب به فرمانده سپاه پاسداران صادر شده است. سؤال این است که آیا، جعل و پخش آن نامه، تبلیغات گسترده رسانه های بیگانه و برخی از محافل داخلی اظهار نظر چند تن از عوامل بد سابقه و شناخته شده ساواک و سپا در مطبوعات داخلی با تصمیم عاملان قتل که به دنبال نسبت دادن قتلها به سپاه بوده اند، هیچ ارتباطی نداشته است.

سلام - اگر چه علیرغم اظهارات جناب آقای نیازی باز هم جا داشت که دقت در مراقبت از چنین متهمی مهم اطلاعاتی با وسواس بیشتری صورت گیرد ولی به هر حال چنین اتفاقی رخ داده است و اکنون به جای اظهار حسرت در خصوص این واقعه باید در حواشی آن چند و چون عاقلانه کرد و موضوعات مهم پیرامون آن را مطرح ساخت. نکته اول تحلیل این اقدام این که متهم مزبور که به واسطه اطمینان به سرنوشت خود دست به خودکشی زده است، نمی تواند چندین مقرون به صحت باشد. تحلیل طبیعی تر و منطقی تر این است که متهم برای مصون ماندن عامل و طراحان دیگری که احیاناً نقش اساسی تری در این جنایات داشته اند و تا این لحظه در چنگال عدالت گرفتار نشده اند و یا رد پای مهمی از آنان به دست نیامده است، دست به این اقدام زده است و احیاناً دوستان و مشاوران و بلکه آمران خود را از خطر دور نگه داشته است.

صبح امروز - به راستی آیا آنان که خواستار سکوت مطبوعات بوده اند پس از اعلام خودکشی یک شاهد مهم پرونده قتلها در میان مردم کوچه و بازار رفت و آمد کرده اند تا آنچه را در این ارتباط می گویند بشنوند؟

خرداد - به نقل از یکی دیگر از خوانندگان خود نوشت: می خواستم از آقای نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح بپرسم آیا داروی نظافت آن قدر زود حتی زودتر از سیانور اثر می کند و یا چقدر از این دارو در دسترس ایشان بوده که تلاشهای پزشکی برای نجات ایشان میسر واقع نشده است.



## «خود» کشی سعید اسلامی (امامی)

بقیه از صفحه ۸

سلام - ستون نگاه روز - آنچه مسئولان سازمان قضایی باید بدانند، به قلم حسین خندق آبادی نوشت: ریاست محترم سازمان قضایی نیروهای مسلح از سعید امامی به عنوان طراح اصلی قتل‌های اخیر نام برده اند و در ادامه به مسأله ارتباط آنان با محافل بیگانه هم اشاره داشتند. آیا نامبرده در داخل کشور آخرین حلقه و یا به عبارتی نوک هرم محفل قاتلان بوده. یا در پس او کسان یا کس دیگری هم مطرح بوده است؟ آیا مسأله آمریت در این پرونده به سعید امامی ختم می شود یا خیر؟ آیا محافل بیگانه شناسایی شده اند یا هنوز تحقیقات ادامه داشته و اساسا کار گروه تحقیق با این فرد به اتمام رسیده و یا هنوز ادامه داشته است؟

جمهوری اسلامی - اعلام اسامی عاملان قتل‌های مشکوک و این خبر که عامل اصلی این قتل‌ها شخصی به نام سعید امامی (معروف به سعید اسلامی) بوده و او خودکشی کرده است. (باب جدیدی را در مباحث اختلافی بین دو جناح عمده سیاسی در مطبوعات گشوده است. هر یک از این جناحها دیروز از طریق روزنامه های وابسته به خود، تلاش کردند با زیر سؤال بردن خبر خودکشی سعید اسلامی، به طور غیر مستقیم چنین وانمود کنند که جناح مقابل از فقدان او سود خواهد برد. مفهوم روشن این تلاشها اینست که هر یک از طرفین، با زیر سؤال بردن اصل خودکشی، طرف دیگر را متهم به اقدام برای ناسبودی فردی کرده است که اگر حضور داشت ممکن بود اعترافات او به ضررش تمام شود. ادامه این روش، قطعا به سیر عادی پرونده قتل‌های مشکوک لطمه خواهد زد و به سود دشمنان نظام خواهد بود. به نظر می رسد توضیحات روشن و به موقع مسئولان مربوطه می تواند به این بحثهای مضر پایان دهد.

خرداد- حسین موسوسی تیریزی نخستین دادستان دادگاههای انقلاب در گفتگو با خبرنگار ما با اشاره به اظهارات آقای نیازی گفت: این سخنان جز این که ابهامهای بیشتری در ذهن مردم ایجاد کرده، مسأله دیگری در پی نداشته.

صبح امروز - پرونده قتل‌های سیاسی که اینک با اعلام خودکشی یکی از عناصر طراح، مؤثر و اصلی این پرونده وارد مرحله تازه‌ی بی شده است، از این زاویه قابل تأمل و بررسی است. رشته قتل‌های سیاسی که دامنه‌ی فزاینده آنرا تاکنون از آن آشکار شده است دارد، در «پرده‌ی بی از پنهانکاری» و با ایجاد هاله‌هایی عمدی از عدم شفافیت صورت می گرفت.

## چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۷۸

ایران - شنیده شد علی ربیعی از اعضای کمیته سه نفره هیأت پیگیری قتل‌های مشکوک در تماسی با مطبوعات خواسته است تا پیش از این به قضیه خودکشی سعید امامی دامن نزنند.

نشاط - عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز در خصوص سکوت مطبوعات در ماههای اخیر در مورد پرونده قتل‌های زنجیره‌ی بی گفت: «بخشی از این سکوت اجباری بود، وقتی جلوی نشر اطلاعات گرفته شود، واقعه فروکش می کند خبر مربوط به پیگیری قتل‌ها کاملا پنهان مانده بود.

نشاط - حمیدرضا جلالی پور: اگر پرونده قتل‌ها تا آخر پیش نرود، مخاطرات بعدی محتمل است. ممکن است خودکشی سعید امامی با تهدید و نفوذ افراد وابسته به محفل قاتلان صورت گرفته باشد و خواسته باشند با این خودکشی داستان محفل قاتلان را مختومه اعلام کنند.

رادیو فرانسه - به نوشته روزنامه تهران تایمز، شخصی که برای سعید امامی داروی نظافت تهیه کرده بود، دستگیر شده است.

همشهری - در مجلس شنیده شد که رئیس جمهوری تا روز شنبه از موضوع خودکشی سعید امامی بی خبر بوده است. روز گذشته تعداد زیادی از نمایندگان از کم توجهی مسئولین حفاظت سعید امامی و از این که نتوانسته اند به خوبی از وی مراقبت کنند، اظهار تأسف می کردند و گاهی به شوخی یا جدی، نحوه خودکشی وی را زیر سؤال می بردند.

ایران - برخی از نمایندگان که با سعید اسلامی از مدتها قبل آشنا بودند، در باب زرنگی او سخن راننده و نحوه خودکشی وی را بعید می خواندند. به گفته این نمایندگان، «اسلامی»، پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سیاست تحریک ائمه جمعه با انجام چند سخنرانی علیه خاتمی را پیش گرفت.

## پنجشنبه ۳ تیر ۱۳۷۸

همشهری - گفته می شود تعدادی از نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی قصد دارند با ارائه نامه ای به وزیر اطلاعات خواستار بازشدن پرونده قتل سه کشیشی شوند که چند سال پیش توسط سه تن از منافقین کشته شدند. دلیل این خواسته دخیل بودن سعید امامی (اسلامی) در این پرونده عنوان شده است. ظاهرا در زمان بررسی پرونده قتل سه کشیش، نمایندگان اقلیتها در مجلس شورای اسلامی جلسه مواجهه ای با منافقین مزبور داشته اند که توسط سعید امامی معاون وزیر اطلاعات وقت برای توجیه نمایندگان ترتیب داده شده بود.

تلویزیون رژیم - وزیر کشور هشدار داد دشمنان در صددند از حوادث اخیر و خودکشی یکی از عوامل اصلی قتل‌های اخیر برای ایجاد تشنج و اختلاف در جامعه و متهم کردن جناحهای مختلف بهره برداری کنند. همشهری - شنیده شده است چهارشنبه گذشته پس از خودکشی سعید امامی وی بلافاصله به بیمارستان منتقل می شود و مورد مداوا قرار می گیرد. روز پنجشنبه پزشکان حال وی را رضایتبخش تشخیص می دهند و اجازه مرخصی صادر می کنند ولی قرار می شود برای اطمینان بیشتر دو ساعت دیگر نیز در بیمارستان تحت مراقبت باشد. در فاصله این مدت وی ایست قلبی پیدا می کند و می میرد.

کیهان - سعید امامی در اوائل دهه هفتاد مخفیانه سفری به اسرائیل داشته است. همچنین گفته می شود که سعید امامی بخش قابل توجهی از زندگی خود را همراه با دبیش در واشنگتن به سر برده و این نکته نیز گفتنی است که دایی وی به نام سلطان محمد اعتماد، در سال ۵۶ وابسته نظامی رژیم شاه در آمریکا بوده است.

سلام - جنازه سعید امامی که عامل اصلی قتل‌های زنجیره‌ی بی معرفی شده و در روزهای اخیر خبر خودکشی او در زندان، اعلام شد، روز سه شنبه ۱/تیر/۷۸ با مشایعت حدود ۲۰۰ نفر دفن گردید.

نشاط - مراسم ترحیم سعید امامی بعد از ظهر دیروز در مسجد حجت بن الحسن واقع در خیابان سهروردی شمالی برگزار شد. این مراسم در حالی برگزار شد که هیچ اطلاعیه و نشانی در اطراف مسجد وجود نداشت. در این مراسم که حدود ۴۰۰ نفر از بستگان و وابستگان وی حضور داشتند یک روحانی به نام بحرجد در باره مرگ و ارتباط دنیا و آخرت سخنرانی کرد. سخنران افزود: «حاج سعید امامی مانند همه شربت فصل را نوشید، اما مرگ پایان زندگی نیست و همه انسانها پس از مرگ زندگی جدیدی را آغاز می کنند. پیش از سخنرانی بحرجد یکی از حاضران در مراسم از

جمعیت حاضر خواست بر شهدای مظلوم شیعه صلوات بفرستند. ضمنا اعلام شد که مراسم هفتم سعید امامی از ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر روز جمعه در مسجد ضرابخانه واقع در خیابان پاسداران برگزار می شود.

روزنامه نشاط - گفته می شود یکی از سه بازداشت شدگان باقیمانده پرونده قتل‌های پاییز گذشته، راننده همان اتوبوسی بود که چند سال پیش قصد داشت اتوبوس حامل جمعی از اعضای کانون نویسندگان ایران را در جریان سفر به جمهوری ارمنستان به قعر دره هدایت کند.

جمهوری اسلامی - نکته مهم دیگر در این زمینه آنست که هیأت پیگیری این پرونده، سکوت را بشکند و توضیحات مفید، مؤثر و اطمینان بخشی را برای افکار عمومی ارائه کند و با پاسخگویی به موقع خود، زمینه های عینی برای شایعه پراکنی عوامل ناراحت را از میان ببرد. هنوز کاملا روشن نیست که چرا هیأت پیگیری قتل‌های مشکوک، اطلاع رسانی مؤثر و به موقع را از فهرست مسئولیتهای خود، تعدا حذف کرده و چرا در واقع کار زیادی در جهت آگاه ساختن افکار عمومی انجام نمی دهد؟

سلام - مطابق با گزارش پزشکی قانونی سعید امامی بعد از انتقال به بیمارستان قادر به تکلم بوده است و فوت وی بعد از سه روز و به طور ناگهانی صورت گرفته است.

## شنبه ۵ تیر ۱۳۷۸

همشهری - احمد زیدآبادی: مسئولانی که بر عامل نفوذ بیگانگان بودن سعید اسلامی تاکید جدی دارند، باید به پرسشهای زیر پاسخ دهند:

۱- عیبهای ساختاری دستگاه اطلاعاتی کشور چه بوده است که یک عامل بیگانه توانسته است تا بالاترین سطح آن راه پیدا کند.

۲- در پی کشف این نفوذ، با عوامل مؤثر در آن چه برخوردی شده و چه تمهیداتی برای جلوگیری از تکرار آن اندیشیده شده است؟

۳- آیا آن دسته از مقامهای سابق وزارت اطلاعات و نیز مطبوعاتی که در پی عادی جلوه دادن عملیات نفوذ بیگانگان در دستگاه اطلاعاتی کشورند، خود در ایجاد شرایط نفوذ آسان عناصر بیگانه به این دستگاه سهیم نیستند و نباید مجازات شوند؟

همشهری - مراسمی که دیروز در مسجد جامع ضرابخانه برای سعید امامی (اسلامی) برگزار شد و ترکیب کسانی که در این مراسم شرکت کردند و داعیه ای که سخنران آن مطرح کرد و واکنشی که حاضران نشان دادند، همگی پرسش اند و پاسخ می خواهند. برای معدومی که به بدنامی مرده است، مراسم گسترده ترتیب داده می شود و حتی برگزارکنندگان متأسفانه با ظاهر و رفتاری مشابه ماموران امنیتی رسمی، خیابانها را می بندند و رفت و آمد خبرنگاران را کنترل می کنند و از کسانی که قصد ورود به مجلس شب هفت را دارند بازجویی می کنند.

جسارت کسانی که در مجلس شرکت کردند و بسیاری شان حتی ملاحظه شهرت خود را نکردند، از اصل برگزاری مراسم، سؤال برانگیزتر است. در میان جمع سوگواران سعید اسلامی، چهره هایی حضور داشتند که یسار پرونده سازی آنها علیه یاران رئیس جمهوری و انتشار مطبوعاتی و صوتی و تصویری آن هنوز زنده است.

آیا معنای این حضور گستاخانه این نیست که عقبه سعید امامی همچنان دست نخورده است و کسانی که او را به کار آدمکشی گماردند، هنوز پابرجا و قدرتمندند؟

«خود» کشی سعید اسلامی (امامی)

بقیه از صفحه ۹

یکشنبه ۶ تیر ۱۳۷۸

خرداد- حضور حسینیان در مجلس سعید امامی مهر تاییدی بر کارهای او بود. روح الله حسینیان شرکت در مراسم سعید امامی حق من است روزنامه های جناح حاکم غوغاسالاری می کنند.

نشاط - حسینیان عضو و قائم مقام پیشین جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی، عضو هیأت منصفه مطبوعات، سابقه بی طولانی از حضور در دادگاه ویژه روحانیت و وزارت اطلاعات دارد.

آریا - شیرین عبادی وکیل دو تن از مقتولین به روزنامه «مناطق آزاد» گفت: ما نمونه های مختلف داری نظافت را که در بازار فروخته می شود جمع آوری کردیم و معلوم شد که همه آنها طبق مجوز وزارت بهداشت فاقد مواد سمی مهلک هستند.

آریا - در مجلس ختم زنانه، خواهران سعید امامی با صدای بلند گریه می کردند و در جایی که روحانی مداح مجلس از نیروهای گمنام امام زمان تشکر می کرد، یکی از خواهران سعید امامی با بغض و صدای بلند گفت: نمی توانم حرف دلم را بزنم، نمی توانم عقده دلم را باز کنم. نمی توانم درد دلم را بگویم.

دوشنبه ۷ تیر ۱۳۷۸

همشهری - حسین مرعشی نماینده کرمان حضور حسینیان در مراسم ختم را عملی «شجاعانه و در راستای شفاف کردن مواضع سیاسی» عنوان کرد و گفت: نباید آقای حسینیان را تخطئه کرد زیرا افرادی هستند که سعید امامی و سایر افرادی را که دست به ترورهای اخیر زده اند بی تقصیری می دانند و تایید می کنند. وی گفت: اگر عده ای از افراد هم جناح با آقای حسینیان با حضور وی در مسجد مخالفت می کنند قصدشان برائت جستن از کار وی است ولی دوستان ما که مخالف سانوسر هستند چرا با این کار مخالفت می کنند؟

کیهان - حجت الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان به انتقادات صورت گرفته در باره علت حضورش در مراسم شب هفت سعید امامی گفت: آنچه در مصاحبه های قبلی در کیهان و تلویزیون تحلیل نموده ام مربوط به آقای موسوی (مصطفی کاظمی) بوده است و همه اطلاعات جدید هیچ تغییری در اصل خبر وابستگی آقای موسوی به جبهه ۲ خرداد به وجود نیآورده است و خوشبختانه آقای موسوی هنوز زنده است.

همشهری - محمد شاهی عربلو نماینده هشترود و یکی از نمایندگان جناح راستی گفت: برگزاری مراسم ختم برای فردی که به هر طریقی فوت می کند در اسلام امری عادی است اگر گاهی در مورد مجلس ترحیم کسی اعتراضاتی می شود به خاطر آن است که آن مجلس ترحیم سوء استفاده می شود، راهپیمایی می گذارند شعارهایی داده می شود و الا صرف مراسم ترحیم حق هر کسی است و مخالفت با آن عقلائی نیست. وی در مورد ممنوعیت مراسم ختم برای معدومین گفت: مسأله متفقین که برای براندازی نظام خونبار ریخته و عامل مستقیم دشمنان اسلام بودند با افراد عادی مثل سعید اسلامی فرق دارد.

همشهری - علی حسینی نماینده نهاوند گفت: حضور آقای حسینیان در مراسم ختم باعث شد که نسبت به سخنانی که تاکنون در مورد سعید اسلامی مطرح می شد شک و تردید به وجود آید. وی گفت: ما امیدوار بودیم که سازماندهی قتلها در محفل ۴، ۵ نفری محدود صورت گرفته باشد ولی در حال حاضر با این

خواسته است، در ارتباط با مسائل اخیر فتیله را پایین بکشند.

سلام - دیروز در میان نمایندگان مجلس در خصوص چگونگی مرگ سعید اسلامی و علت خودکشی او و نکات دیگر پیرامون پرونده، بحثهای داغی مطرح بود. ناگفته نماند که برخی نمایندگان در این باره تردیدهایی را مطرح می کردند. از جمله انگیزه هایی که برای خودکشی وی برشمرده می شد، برخی قصد فرار را نیز عنوان می کردند.

آریا - روزنامه «مناطق آزاد» نوشت: می گویند سعید امامی فرار کرده به خارج، یک جسد مجهول الهویه را به جای او خاک کرده اند. برای همین هیچ عکسی از او وجود ندارد. حواستان هست. هیچ عکسی از او در مطبوعات چاپ نشده است.

صبح امروز - گفته می شود مرتضی نبوی نماینده تهران، طی مراسمی در کرج در پاسخ به سؤالی در باره سعید امامی گفته است، شخصی خودکشی کرده که سالها در وزارت اطلاعات خدمت کرده است. چهره بی که از خودش در وزارت نشان داده چهره بی اهل نماز، روزه و زیارت عاشورا بوده است.

مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت نشاط - روزنامه انتخاب گفته است که محسن امین زاده معاون وزیر خارجه نیز در ارتقای مقام سعید امامی نقش داشته است، آیا این خبر صحت دارد؟ عباس عیدی: این را باید آقای مرتضی نبوی پاسخ دهد. ولی برای ما فرقی نمی کند که بنویسد، از نظر ما هر کسی در ترفیع امامی نقش داشته است، از هر جناحی که باشد باید مجازات شود.

سلام - جمعی از بازنشستگان و پاکسازی شدگان وزارت اطلاعات روز گذشته در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرنگار «خرداد» این عده که حدود ۱۰۰ نفر بودند، پلاکاردهایی را در دست داشتند و تحت نظارت مأموران بودند. خبرنگار ما برای گفتگو به این افراد نزدیک شد، ولی مأموران ضمن جلوگیری از حضور وی در محل، ضبط صوت وی را توقیف کردند. به گفته مأموران، تهیه خبر از این تجمع ممنوع بود.

شنبه ۱۲ تیر ۱۳۷۸

نشاط - اولین پیامی که پس از اعلام خبر خودکشی غیر منتظره و غیر متعارف سعید اسلامی بر روی تلکس خبرگزاری رسمی کشور منتشر شد، درخواست شورای عالی امنیت ملی از مطبوعات بود که اگر تصویری از او دارند آن را منتشر نکنند. از آن زمان تاکنون نه تنها مطبوعات به این توصیه عمل کرده اند، بلکه خانواده سعید امامی نیز مجلس ختم وی را بدون عکسی از او برگزار کرده اند.

یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۷۸

سلام - ستون «الو سلام»: آقای حسینیان در ختم آقای سعید اسلامی شرکت کردند و توضیحاتی هم دادند ولی برای من این سؤال پیش آمده که این آقای روحانی که می دانند اسلام تا چه حد برای جان انسان ارزش قائل است و خودکشی را گناه کبیره می دانند، در ختم این آقا شرکت می کند، آیا با ظرافت نمی خواهد پیام بدهند که این آدم خودکشی نکرده، بلکه کشته شده است؟

آریا - یکی از نزدیکان پیروز دوانی نویسنده بی که از سال گذشته تاکنون ناپدید شده، گفته است با وجود آن که وزارت اطلاعات اعلام کرده است که ما رسماً فردی به نام پیروز دوانی را دستگیر نکرده ایم، ولی خانواده وی این مطلب را قبول نکرده و نمی کنند و از بقیه در صفحه ۱۱

حرکتها به نظر می رسد که حیطه آن محفل کمی بیشتر از آن محدوده ای است که ما فکر می کردیم. ایران - سعید حجاریان افزود: اگر روزنامه ها همینطور پیش بروند و این گونه به کار خود در این زمینه ادامه دهند، باعث تضعیف کل قوه قضائیه خواهند شد. وی تصریح کرد: ما برای سخن گفتن در روزنامه ها در مورد مسائل فنی و اطلاعاتی و امور داخلی پرونده قتلها مشکوک اخیر باید از آقای نیازی اجازت داشته باشیم.

رادبو فرانسه - دفتر تحکیم وحدت با انتشار بیانیه بی، خواستار آن شده است که علی فلاحیان به عنوان وزیر پیشین اطلاعات به مراجع قضایی احضار شود و مورد بازخواست قرار گیرد.

همشهری - اکنون این پرسش هنوز به صورت جدی پیش روی ماست که سعید امامی کیست؟ شیوه و معبر جذب او به وزارت اطلاعات کدام است؟ رابط یا رابطان خارجی اش چه کسانی اند؟ و جایگاه سازمانی اش در میان مجموع دستگیرشدگان کجاست؟

سه شنبه ۸ تیر ۱۳۷۸

نشاط - غلامحسین بلندیان معاون امنیت داخلی وزیر کشور در پاسخ خبرنگار روزنامه صبح امروز که گفت افرادی با کارت شناسایی نیروی انتظامی در آن مجلس حضور داشتند و مانع از کار خبرنگاران شدند گفت: یکی از مشکلات ما سوء استفاده هایی است که از لباس و مدارک هویت مأموران نیروی انتظامی می شود و معمولاً برخی سارقان بدین شکل امنیت شهروندان را مختل می کنند.

نشاط - واقعیت این است که سعید حجاریان در اتخاذ چنین موضعی تنها نیست. روز گذشته دو منبع دیپلماتیک نیز نتوانستند نگرانی خود را از روند پرداخت اصلاح طلبان به ماجراهای اخیر پنهان کنند. خبرنگار خصوصی نشاط گزارش می دهد یک سفیر محترم و با سابقه که کشورش دارای روابط بسیار دوستانه بی با جمهوری اسلامی است در یک اظهارنظر دوستانه خواستار توجه اصلاح طلبان هوادار خاتمی به بازی بی شده است که آغاز شده است و شاید دیگر نتوان آن را جمع کرد. او معتقد بود چنین اتفاقی می تواند به یک فاجعه برای ساختار امنیتی ایران تبدیل شود. از سوی دیگر، یک روشنفکر و روزنامه نگار نیز به خبرنگار خصوصی ما گفت آنچه در حال رخ دادن است مانند آن می ماند که کشتی را از یک نقطه سوراخ کنیم و امیدوار باشیم که تنها همان بخش غرق شود.

خبرنگار خصوصی نشاط می گوید علی فلاحیان کسی که پاره یی از اصلاح طلب تلاش بسیار می کنند تا او را به صحنه بکشند مدتهاست که با ضمانت محمد ریشه‌ری توانسته است در کنار بماند. آیا با ورود علی فلاحیان حلقه های خطرناک داستان فضای کشور را بحرانی خواهد کرد؟

صبح امروز - شنیده شده حضور تعدادی از کارکنان وزارت اطلاعات در مراسم شب هفت سعید اسلامی و بازجویی خبرنگاران توسط این کارکنان با مجوز نیروی انتظامی بوده است.

سلام - ستون «الو سلام» یک سؤال معمولی و ساده دارم، چرا آقای فلاحیان سکوت کرده اند و هیچ موضع گیری ندارند؟ قرار نیست که ایشان را استیضاح کنند، خوب بیایند و کمی توضیح بدهند و خودشان را از نگاه منفی افکار عمومی برهانند.

چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۷۸

صبح امروز - شنیده شده شورای امنیت ملی با احضار شماری از مدیران مسئول مطبوعات از آنان

## «خود» کشی سعید اسلامی (امامی)

بقیه از صفحه ۱۰

تعقیب این قضیه دست بر نمی دارند و در صورت لزوم، شکایت خود را در نهادهای حقوقی بین المللی مطرح خواهند کرد.

سلام - ستن «الو سلام»: روزی که روزنامه ها را خواندم و خبر برگزاری مراسم ختم آقای سعید اسلامی را شنیدم خیلی خوشحال شدم چون در یک جامعه مدنی برگزاری مراسم ختم هر چند برای یک جانی و قاتل خیلی مهم است، چند سال پیش در منطقه یی که ما زندگی می کردیم (اسلام شهر) یک درگیری ناخواسته بر سر گرانی بلیط اتوبوس رخ داد، در آن درگیری چند نفر کشته شدند، که یک نفر از آنها یکی از بستگان ما بود که به صورت اتفاقی کشته شد. وقتی ایشان کشته شد حتی اجازه مراسم ختم هم برای ایشان ندادند. نشاط - در پی درج خبری با عنوان «چرا سعید امامی در قطعه شهدا دفن شده است» در شماره دیروز نشاط، کوروش فولادی نماینده مردم خرم آباد در مجلس شورای اسلامی، که این خبر به نقل از وی منتشر شده بود، در تماس با خبرنگار ما گفت: من در گفتگو با استفاده روزنامه ایران نیوز (منبع مورد خب) گفته ام که چرا سعید امامی در قطعه یی بالاتر از قطعه شهدا دفن شده است.

### دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۷۸

آریا - صبح امروز نوشت گفته می شود آیت الله عیانی خراسانی تاکید کرده است سعید امامی طراح اصلی برنامه هویت سیما بوده است که آثار محرب و منفی فراوانی در اذهان عمومی بر جای گذاشت.

نشاط - بستگان مرتضی علیان نجف آبادی، امیر غفوری و سید محمد میدانی که به ترتیب در دی ماه و بهمن ماه سال ۷۵ و فروردین ماه سال ۷۶ موقوف شده اند، با ارسال نامه یی برای سعید محمد خاتمی رئیس جمهوری از سرنوشت نامعلوم این سه عضو خانواده خود ابراز نگرانی کرده اند و با اشاره به اخبار جدید پرنوسه قتلهای زنجیره یی پرسیده اند: «آیا گذشت دو سال و نیم از جریان موقوف شدن عزیزانمان زمان کافی جهت بررسی موضوع و آگاهی از سرنوشت آنان نبوده است؟ ...»

نشاط - سعید حجاریان، عضو شورای شهر تهران، گفته است که بادمچیان (در قزوین) را مبنی بر این که حجاریان در وزارت اطلاعات، گزینش

سعید امامی را تا رده های مدیر کلی تایید کرده بود، تکذیب کرد و گفت، من از ابتدا گزینش سعید امامی را رد کردم و این سخنان کذب است.

رسالت - در جلسه دیروز کمیسیون شوراها، آقایان قندهاری، مهدوی (فضل علی) زارع، خدادادی، ابوترابی، موحدی ساوجی و میرخلیلی از میان اعضاء کمیسیون و آقایان غنی زاده، عظیمی، کامران، زاده سر، رسولی نژاد، محبی نیا و اخوان از میان درخواست کنندگان تقاضای تحقیق و تفحص انتخاب شدند. این کمیسیون پس از تعیین هیات رئیسه، کار خود را در باره پیگیری موارد مشکوک و مبهم قتلهای سال گذشته آغاز خواهد کرد.

رادیو بی بی سی (فارسی) - روزنامه سلام گزارشی دارد از کوشش خبرنگار این روزنامه برای مصاحبه با همسر سعید امامی مطابق این گزارش، چند تن از مأموران امنیتی از خانه سعید امامی حفاظت می کنند و مانع از نزدیک شدن افراد به خانواده وی هستند.

### سه شنبه ۱۵ تیر ۱۳۷۸

رادیو اسرائیل - روزنامه صبح امروز در شماره بامداد امروز خود نوشت، عکسی از سعید اسلامی در قم تکثیر و توزیع شده که در بالای آن نوشته شده است، ابعاد امنیتی - اطلاعاتی تهاجم فرهنگی. صبح امروز نوشت: معلوم نیست چه کسی این عکسها را تکثیر و منتشر کرده است.

نشاط - در میانه هفته گذشته در یک جلسه غیر رسمی مدیران چند روزنامه اصلاح طلب فرا خوانده شدند و به آنان تذکر داده شده که حرفهای پایان مصاحبه نیازی را به یاد داشته باشند. فردای آن روز بسیاری از روزنامه ها (که در انتظار تصویب طرح جدید قانون مطبوعات بودند) به اصطلاح رایج میان خود قتیله را پایین کشیدند.

### سعید اسلامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است

سلام - بنا به اطلاعات موثقی که دریافت شده، سعید اسلامی طی نامه یی در تاریخ ۱۶/مهر/۷۷ و به شماره ۴۱/خ/۲۸۱ که خطاب به مقام محترم وزارت و تحت عنوان «فضا سازی فرهنگی و کنترل آن، ساماندهی فرهنگی و ایجاد نظام فرهنگی کشور» نوشته، پیشنهاد محدودیتهای فرهنگی و مطبوعاتی را داده است.

### چهارشنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۸

جمهوری اسلامی - حجت الاسلام علی فلاحیان، نماینده مجلس خبرگان و

وزیر اسبق اطلاعات، طی تماسی که دیروز از مشهد با روزنامه جمهوری اسلامی گرفت، شایعات پیرامون ارتباط خود با مسائل مربوط به سعید اسلامی را تکذیب کرد. آقای فلاحیان در خصوص جریانات مطروحه اخیر، خصوصا بحث جاسوسی سعید اسلامی گفت: در خصوص آقای سعید اسلامی پس از شنیدن این خبر به شدت تکان خوردم و تا مدتی دچار ناراحتی بودم. اما وقتی مطلع شدم که در این رابطه تردیدهایی وجود دارد و مسأله قطعیت ندارد، کمی آرام شدم.

تلویزیون رژیم - در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی نامه وزیر اطلاعات خطاب به رئیس مجلس در خصوص نامه منتشره در روزنامه سلام که منتسب به وزارت اطلاعات بود، قرائت شد، در این نامه آمده است، متن نامه یی که در روزنامه سلام به چاپ رسیده، مربوط به سعید اسلامی نیست، بلکه مربوط به حوزه مشاورین وزیر است و ارتباطی نیز با طرح اصلاح قانون مطبوعات نداشته است. در نامه وزیر اطلاعات تصریح شده است، متأسفانه روزنامه سلام که نامه را منتشر کرده، با حذف صدر و ذیل نامه از آن استفاده جناحی کرده است.

خبرگزاری رژیم (ایرنا) رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح ایران گفت عاملان قتلهای اخیر با نام دین و حکومت اسلامی چنان ضربه ای به اسلام زدند که هیچ منافقی نمی زد. وی گفت پس از شش ماه تحقیقات ثابت شد که کلاه بزرگی سرمان رفته و فهمیدیم چه کسانی و در چه چهره هایی به ما ضربه زدند. وی ادامه داد که عاملان این قتلها به نام مبارزه با تهاجم فرهنگی و ضد انقلاب دست به این اعمال ننگین زدند. نیازی گفت بعضی مطبوعات و محافل بدون توجه به امنیت ایران مطالبی را می نویسند و نیروهای مسلح را تضعیف می کنند اینان کسانی هستند که علاقمند به این کشور نیستند.

خبرگزاریها - روزنامه سلام توقیف

شد

### پنجشنبه ۱۷ تیر ۱۳۷۸

خبرگزاری رژیم (ایرنا) - وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران برای «حفظ آرامش و پرهیز از هرگونه تنش و تقویت سیاستهای دولت خدمتگزار در خصوص توسعه سیاسی و آزادیهای قانونی مطبوعات، از شکایت خویش از روزنامه سلام اعلام انصراف کرد...

خبرگزاریها: آغاز قیام دانشجویان و جوانان از خوابگاه کوی دانشگاه تهران در امیرآباد شمالی



## اسامی تعدادی از قربانیان قتلهای سیاسی

روز ۶ خرداد امسال، آقای محمد محمدتین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران طی نامه ای به خانم مری رایینسون اسامی ۴۷ تن از قربانیان قتلهای زنجیره ای سیاسی اخیر را به اطلاع وی رساند. این اسامی به قرار زیر است:

- ۱- فاطمه اسلامی
- ۲- اکبر توفیق
- ۳- سید مجید سعیدی
- ۴- مرتضی شمس
- ۵- پیروز دوانی
- ۶- دکتر پرویز خاکساری
- ۷- بهروز عبیدی
- ۸- دکتر جمشید پرتوی
- ۹- سرهنگ خانلر هدایتی
- ۱۰- محمد پوپنده
- ۱۱- محمد مختاری
- ۱۲- محمدجعفر کیان لو
- ۱۳- رستمی
- ۱۴- داریوش فروهر
- ۱۵- پروانه فروهر
- ۱۶- حمید حاجی زاده
- ۱۷- شریف خان گمشادزهی
- ۱۸- نادرخان گمشادزهی
- ۱۹- یارمحمدخان گمشادزهی
- ۲۰- خلیل خان گمشادزهی
- ۲۱- فاطمه قائم مقامی
- ۲۲- مهندس حسین برازنده
- ۲۳- صانعی
- ۲۴- همسر صانعی
- ۲۵- ابراهیم زالزاده
- ۲۶- احمد تفضلی
- ۲۷- زهرا افتخاری
- ۲۸- مرتضی علیان نجف آبادی
- ۲۹- سید محمود میدانی
- ۳۰- امیر غفوری
- ۳۱- کاظمی
- ۳۲- شیخ محمد ضیایی
- ۳۳- ماموستا ربیعی
- ۳۴- ماموستا فاروق فرسا
- ۳۵- احمد مفتی زاده
- ۳۶- سخالی
- ۳۷- احمد میرین صیاد
- ۳۸- کشیش محمد باقر یوسفی
- ۳۹- غفارحسینی
- ۴۰- محمدتقی زهتابی
- ۴۱- غزاله علیزاده
- ۴۲- احمد امیرعلایی
- ۴۳- حسن کفتردوست
- ۴۴- جواد امامی
- ۴۵- سونیا امامی
- ۴۶- فاطمه موسوی
- ۴۷- مهندس کریم جلیل

زندگی خصوصی را با هم آشتی دهند؟ آیا با داشتن دیدگاهی نو نسبت به کار و اوقات فراغت می توان به این مهم دست یافت؟ یا این که حتا نظام اقتصادی تازه ای باید به وجود آید؟

- چه بسا. منتها، نسبت به سرمایه داری که تا به حال هنوز یک بدیل درست و حسابی و اصیل به وجود نیامده. چنین الترناتیوی تازه می باید اندیشیده و خلق شود. فقط زمانی که زنان به طور واقعی نیمی از قدرت را عهده دار شوند - که این هم طبعا یک خواست آرمانی است - فقط در چنین موقعیتی می توان تصور نمود که نظام اقتصادی نیز گام به گام دگرگون شود.

یک امکان این می بود که اقتصاد به کار نیمه روز بیشتر میدان دهند، طوری که مرد و زن هر دو فقط به اندازه چند ساعت در روز - مثلا هر کدام ۴ ساعت - به کار حرفه ای خود بپردازند. با انجام چنین برنامه ای، ناگزیر کل نظام اقتصادی هم می بایست عوض شود و در ضمن معضل بیکاری نیز فیصله می یافت. زنها هم ناچار نمی شدند در سنین چهل و پنجاه دوباره دنبال شغل تازه ای بگردند و در کارهایی مشغول شوند که برایشان غریبه است و یا این که از اول جوابشان می کنند. اگر این ایده گسترش کار نیمه روز جا بیفتد، زنها دیگر می توانند در همان حرفه اولیه خودشان به کار ادامه دهند.

- یقینا چنین طرحی می توانست منطقی و مناسب باشد. این فکر درستی است که عرصه شغل و حرفه به صورتی سامان یابد که زنان بتوانند، حتا موقعی که بچه دار می شوند، در همان زمینه کاری خودشان بساکن بمانند. ولی این کار می بایست با تغییر و تحول در پهنه تعلیم و تربیت همراه باشد و تقسیم بندیهای خاص و مبتنی بر جنسیت برطرف شود. آن وقت اجرای این طرح می توانست اطمینان به نفس نسل جوان - اعم از پسر و دختر - را نیز تقویت کند. دیگر ارزش یک پسر جوان فقط در این دیده نمی شد که او هویت خود را در ربط به مسایل حکومت، امور قدرت و یا تلاش برای کسب موفقیت بداند. و ارجح و مرتبه یک دختر جوان هم در این نمی بود که چه قدر با توقعات جهان مردان، در باب زیبایی و ملاحظت، جور در می آید. آن گاه، هر دو جوان خاطر جمع می بودند که پدر و مادرشان مشترکا خواهان رشد شخصیت مستقل و پیشرفت فکری و آموزش حرفه ای آنها هستند.

پس به عقیده شما می باید دنبال این ایده را گرفت و برای تحقق چنین تقسیم کاری نیرو جمع کرد؟

- بله. به عقیده من عرصه تقسیم کار در خانواده و جامعه می باید به طور اساسی دگرگون شود و این امر مهمی است. البته هیچوقت به این صورت مکانیکی نخواهد بود که گفته شود: زن ۴ ساعت، مرد ۴ ساعت. بلکه وضعیتی پیش خواهد آمد که در یک جا زن کمی بیشتر یا کمتر از مرد به کار بیرون اشتغال خواهند داشت و جای دیگر، مرد ساعات کمتر یا بیشتری را به امور خانه می پردازد. این ترتیب نباید زیر فشار اجبار باشد. منتها، به عنوان شاخص، می باید این اصل جا بیفتد که: مرد و زن، هر دو هم در جامعه کار می کنند و هم کار خانه را میان خود تقسیم می کنند. و این خود شالوده مهمی می شود جهت تحقق یک جامعه انسانی تر.

- در حال حاضر وضع هنوز بدین صورت است که مرد در طول روز معمولا خانه نیست و شب هم بچه ها را تازه موقعی می بیند که آنها دیگر در رختخواب اند. زندگی شغلی مرد هم اغلب به کلی از حوزه علاق و توجهات زن و بچه خارج است و جای دیگری جریان دارد. شاید فقط به مدد وقوع یک انقلاب بشود حیات شغلی و خصوصی انسانها را چون گذشته با هم جوش داد، مثل زندگی دهقانها در روستا، صنعتگران کارگاهها و پیشه وران و غیره.

بقیه در صفحه ۱۴



## آینده نقش از زنان دارد (۵)

### گفتگوی خانم گلادیس وایگنر با خانم مارگارت میچرلیش

#### خودشیفتگی

در کتاب زن سر به راه اشاره می کنید به خودشیفتگی زنان و این تمایل آنها که زیاد به خودشان می پردازند و خودنمایی می کنند. آیا این یک حالت خاص زنانه است که به نظر شما می بایست کنار بگذارند؟

- من که به این مسأله یک جوری دیگر نگاه می کنم. البته، اغلب گفته شده که زنها خودشیفته و خودبین اند ولی مردها چشم به واقعیت دارند و عینی گرا هستند! منتها، به نظر من اینها حرف بی خود و افسانه است. مردها، به سبب نوع تربیتشان بیشتر به مسایل بیرون خانه علاقه دارند، به عنوان نمونه به امور قدرت، آن وقت برخی از تحلیلگران اسم این گرایش را می گذارند عنینت گرایی و واقع بینی.

به نظر می رسد که زنها خیلی بیشتر از مردها به سر و بدن و لباس خودشان می رسند و مترصد هستند روی دیگران اثر بگذارند. جزو این کارها هم آن رفتاری است که بیشتر شما از آن شکوه می کردید. یعنی همان که زنها با نوع لباسی که می پوشند و رفتارشان، یک جوری جلوه می فروشند. ولی مگر ما به عنوان زن، این طوری تربیت نشده ایم که اگر از نظر بدنی جذابیت نداشته باشیم کارمان زار است و به جایی نمی رسیم؟

برخلاف آن چه اغلب مدعی می شوند، در رفتن به سر و وضع ظاهر و پرداختن به لوازم خوشگلی و این چیزها، این گرایش هیچ جزو طبیعت ما نیست. این رفتارها مربوط می شود به تعلیم و تربیت ما و به جایگاهی که در جامعه به ما اختصاص داده اند. برحسب قاعده جاری، اگر ما به لحاظ ظاهرمان جاذبه ای نداشته باشیم، کلاهمان پس معرکه است و در جامعه به حساب نمی آیم. در واقع این مردها هستند که از زنها توقع دارند به لحاظ جنسی بی وقفه زیبا و با جاذبه جلوه کنند. همین انتظارات اجتماعی است که باعث می شود برخی زنها به صورتی رفتار کنند که زننده است و قبلا شما بدان اشاره کردید. در حقیقت زنها دچار خودشیفتگی خاصی نیستند، بلکه به خواسته ها و ارزشگذاریهای معینی که مطلوب مردهاست گردن گذاشته اند، و تازه از جانب همین آقایان هم در معرض فلان و بهمان اتهام و سرزنش قرار می گیرند. اما اگر مسأله را با دقت بیشتری مطالعه کنیم، پی می بریم که زنها اتفاقا از نقطه نظر روانکاوانه خیلی بیشتر از مردها واقع بین هستند؛ زیرا وظیفه مادری به عهده شان گذاشته شده و در ایفای این نقش اغلب ناچارند از هوای نفس درگذرند و به بچه ضعیف و بی دفاع رسیدگی کنند

طبعا مردان خانواده از چنین وضعیتی مستفیض می شوند و متأسفانه زنان اکثرا به اجبارها و ستمگریهای مردان نیز تن می دهند و رفتارهای نابالغ و کودکانه آنها را می پذیرند.

بسیاری از زنها از جنبش زنان شکوه دارند که چرا به اندازه کافی تحویل گرفته نمی شوند و به نقش آنها به عنوان زن خانه دار و مادر بچه ها - که این قدر از آنها نیرو می گیرد و گذشت و ایثار طلب می کند - ارجح گذاشته نمی شود. در حالی که مسأله باید همین باشد که زنان خانه دار و مادران بیهمند مورد استعمار و سوءاستفاده واقع شدن نه تنها به خود زنان ضربه می زند، بلکه برای مردان و فرزندان هم عواقب بدی در پی دارد. وقتی یک زن این وضعیت را تحمل می کند،

در عمل نه تنها جلوی بالغ شدن شخصیت یک مرد متوسط الحال و فرزندان خانواده را می گیرد، بلکه ضرر دیگرش این است که مانع بالندگی و بلوغ جامعه هم می شود. جامعه ای که تحت تأثیر این ارزشهای مردانه دارد به سوی پرتگاه گام برمی دارد.

- حالا می خواهم یک بار دیگر به مسأله جمال و زیبایی برگردم. آیا به نظر شما مانعی دارد که زنها با علاقه به سر و روی خودشان می رسند و لباسهای زیبا می پوشند و با این کار، هم خودشان دل شاد هستند و هم موجب مسرت خاطر دیگران می شوند؟

- معلوم است که مانعی ندارد. چرا باید یک زن از آن چه می پسندد و تمایل دارد ممنوع شود. چه اشکالی دارد وقتی خوشش می آید آرایش کند و فن پوش بپوشد. خدا شاهد است که - اگر مورد هلن و جنگ تروا را کنار گذاریم - این چیزها باعث جنگ و جدال نمی شود! بر عکس، باید فرض دانست که زیبایی و برآزندگی، فضای محیط را لطیف و مطبوع می کند. واقعا این یک امر به معروف و کاری پسندیده است. آدم از تماشای کودکان سرحال و شاد، از دیدن زنان و مردان زیبا و آراسته خوشش می آید. گرچه سوای این آراستگی، یک نوع آرایش و نمایش زنانه هم هست که باعث کسر شان زنها می شود. یعنی وقتی یک زن، به جای انسانی هم صحبت و معاشری هم شان دیگران، بیشتر به صورت یک عروسک و یا یک متاع جنسی بیرون می آید، این وضع دون شان زنان است.

طبعا این قضیه جنبه دیگری هم دارد، یعنی این که رسیدگی به سر و وضع و شیک پوشی به صورت یک وسواس و رفتار اجباری درآمده باشد. منتها این حالت به وی تحمیل شده و جامعه اسیر مصرف بوده که زنها را گرفتار این رفتار کرده است.

#### تقسیم کار

- به نظر شما، برای تحقق دنیایی که به صورت مشترک از زن و مرد نقش گرفته باشد در چه زمینه ها امکاناتی وجود دارند؟

- برای حصول این مقصود نیاز هست به وجود مردانی نوین، مردانی که طور دیگری تربیت شده باشند و استنباط آنها از مردانگی و ارزشهای مردانه از آن چه تا به حال بوده فرق کند. منتها، اکثریت مردها از احساس برتری نسبت به زنها و اعمال سلطه بر آنها، داوطلبانه دست برنخواهند داشت. ما زنان ناگزیریم برای رسیدن به موقعیت مطلوب مبارزه کنیم.

- چگونه می شود برای زنها و مردها این امکان را فراهم آورد که به طور مشترک بتوانند امور اقتصادی و

## جنگ یوگوسلاوی از دریچه دید حزب دموکرات

— منصور امان

۱- یوگوسلاوی، یک نگاه مختصر  
نتایج بلاواسطه درم فروپاشی بلوک شرق بی شک در هیچ کجا مانند منطقه بالکان و کشور یوگوسلاوی، فاجعه بار و بحران زا نبوده است. از سال ۱۹۹۱ که پروسه به تجزیه کشاندن این کشور به موزائیکهای قومی، نژادی و مذهبی آغاز گردیده است، جنگهای صلیبی، تصفیه های نژادی و ترکتازی نظامی کشورهای عضو ناتو، عناصر فاکتورهای اصلی در تعیین سرنوشت و حتی اتخاذ سیاست جاری در یوگوسلاوی بوده اند. با اعلام استقلال منطقه نسبتاً صنعتی و مرفه اسلوانی، چرخه تجزیه یوگوسلاوی به حرکت درمی آید. به رسمیت شناسی شتابزده این جمهوری نوین توسط کشور به تازگی یکپارچه شده آلمان، در حقیقت اعلام یک دوران نوین در وضعیت ژئوپولیتیک بالکان و همزمان فرمان آغاز دگرگونی به دیگر اجزای جمهوری یوگوسلاوی می باشد. این پیام ابتدا در کرواسی شنیده می شود و متعاقب آن شعله های جنگ، مرزهای کرواسی با صربستان، صربستان با بوسنی، کرواسی و صربستان با بوسنی و کوزوو با صربستان را نشانه گذاری می کنند.

این یک واقعت است که جمهوری فدرال یوگوسلاوی مرکب از ۶ جمهوری و ۲ واحد خودگردان، بقای خود را بیش از هر چیز مدیون سیاست موازنه منفی تیتو در برابر بلوکهای غرب و شرق بوده است. تبدیری که به این کشور امکان می داد با وجود تنوع گسترده نژادی و مذهبی ساکنانش، در نظر به یک سیاست ویژه و ساختار اقتصادی منحصر به فرد، یکپارچگی خود را حفظ نماید و گرایشهای جدایی طلبانه (که از دیرباز وجود داشتند) عملاً پشتیبان و مشوق خارجی نیابند. البته در این میان نمی توان نقش نظام فدراتیوی که تیتو بنیان گذاشته و طی دهه ها به گسترش آن همت نهاده بود را از یاد برد. رهبری دوره ای به معنای اداره نوبتی مهمترین دوائر دولتی و حزبی توسط نمایندگان هشت واحد تشکیل دهنده کشور، یکی از مهمترین ویژگیهای فدرالیسم یوگوسلاوی بود که با تمرکززدایی از قدرت سیاسی، زمینه های پدید آمدن گرایشهای برتری طلبانه قومی و نژادی را حداقل در پهنه دستگاههای حزبی و نهادهای حکومتی به گونه چشمگیری کاهش می داد.

رسیدن میلوسویچ به قدرت در سال ۱۹۸۷ که با اعمال فشار از پایین و تهییج افکار ناسیونالیستی علیه رهبری وقت «جامعه کمونیستهای صربستان» صورت گرفت، در حقیقت غلبه گرایش شوینیسستی - استالینیسستی موجود در این حزب بر جبهه تیتوئیستها بود. سقوط پی در پی نظامهای سیاسی در بلوک شرق، اهمیت سیاسی ناسیونالیسم افراطی را برای میلوسویچ به دو چندان افزایش داد. اگر در گذشته ایده تفوق ملی صرب به مثابه عامل اصلی یکپارچگی یوگوسلاوی برای او و یارانش تنها نردبانی برای خریدن به قدرت محسوب می شد اکنون این اصل، یک رویکرد حیاتی برای برکنار ماندن از تحولاتی بود که سراسر اروپای شرقی را در می نوردید. آنان با درم آمیزی استقلال و تسامیت ارضی یوگوسلاوی با بر سر قدرت ماندن خویش، به ظاهر به مقابله با بحران جهانی بلوک شرق برخاستند اما عملاً به شکل گیری کانون بحران جدیدی یاری رساندند که نتایج آن برای خلقهای یوگوسلاوی بسا ناگوارتر از همه آن دگرگونیهایی بود که همسایگان شرقی این کشور تجربه کرده بودند.

محدود نمودن اختیارات جمهوریها و واحدهای خودمختار از سوی رژیم میلوسویچ در حقیقت تیر

خلاصی بود که مدل فدرالیستی تیتو را برای همیشه از صحنه سیاسی یوگوسلاوی خارج می کرد. مدلی که ظاهراً به دلیل فقدان یک لنگرگاه اصلی با الزامات مرحله نوینی که کشور در آن به سر می برد همخوانی نداشت و می بایست جای خود را به یک سیستم متمرکز و فشرده که ستون فقرات آن را صربها تشکیل بدهند، می داد. امری که معنایی جز اعلام انحلال تدریجی فدراسیون نداشت و ایجاد زمینه های غلبه قطعی بر آن را در دستور می گذاشت. در صحنه سیاسی صربستان نیز میلوسویچ با اخراج گسترده ناراضیان از صفوف حزب و تبدیل آن به باشگاه عریضه کشان سیاه جامه شوینیسست و محدود ساختن رسانه های چاپی و الکترونیکی - که پیش از این چه از نظر سطح و درونمایه و چه از حیث آزادی نشر و پخش در سراسر اروپا از شهرت خوبی برخوردار بودند -، عزم خود به تصفیه حساب با گذشته و درک خویش از سیستمی که قصد تحمیل آن به سراسر یوگوسلاوی را دارد، به بارزترین شکل به نمایش گذاشت.

همانگونه که پیشتر گفته شد گرایش ناسیونالیستی، تنها مهر و نشان صربها را با خود حمل نمی کند، این تمایل را می توان در نزد اغلب اقوام تشکیل دهنده جمهوری یوگوسلاوی پیدا کرد. گرایشاتی که حتی در زمان تیتو نیز گاهی موجب پدید آمدن بحرانهای گسترده ای شده بودند. به عنوان مثال می توان به جنبش «ماسپوک» در کرواسی اشاره کرد که در سال ۱۹۷۲ نظم فدراتیو تیتو را به چالش طلبید. اما برای تبدیل یک گرایش به سیاستی که خواست عمومی را نمایندگی کند، هنوز راه درازی باقی ست. ملی گرایی افراطی میلوسویچ - که ظعباً هراس ملت‌های دیگر یوگوسلاوی را برمی انگیزد - به همراه اقدامات تبعیض گرایانه در برابر حقوق و وظایف خلقهای غیر صرب این کشور، بستر سیاسی و روانی این تحول را به مؤثرترین وجه گسترده و زمینه های داخلی آن را تأمین نمود.

از سوی دیگر به دنبال اتحاد دو آلمان، ادغام کشورهای بلوک شرق در سیستمهای اقتصادی و امنیتی غرب و ایجاد جمهوریهای متعدد از قزاقستان تا استونی و لیتوانی پیرامون روسیه، حل و فصل سیاسی و جغرافیایی منطقه بالکان، یعنی یک کانون تاریخی بحرانی و مورد نزاع شرق و غرب (به مفهوم تاریخی آن) در دستور کار جبهه فاتح جنگ سرد قرار گرفت. سیاست چماق و حلوی غرب در برابر یوگوسلاوی که پس از گسستن تیتو از پیمان اتحاد استالین و در حقیقت قرارداد دنباله روی از مسکو، از ۱۹۴۹ تا کمی پس از فروپاشی بلوک شرق پی گرفته می شد و این کشور را در چارچوب رقابتهای جهانی دو ابرقدرت به طفل محبوب غرب بدل ساخته بود، اینک نیازمند یک تجدید نظر جدی بود. گسترش ناتو به مرزهای روسیه بدون دورنگاه داشتن این کشور از دریاهای آدریاتیک و مدیترانه، نمی توانست یک استراتژی امنیتی بدون شکاف باشد. شاید

این یک شوخی به نظر برسد اما واقعیت این است که یک جمهوری فدرال یوگوسلاوی با نفوذ مؤثر غیر اسلاوها در تعیین سیاست آن، برای غرب پذیرفتنی بود. اما جمهوری یوگوسلاوی تحت هژمونی صربها، ملتی که علاوه بر نژاد (اسلاو) و کیش (کلیسای ارتودوکس روس)، سابقه تاریخی مشترک نیز آنها را به برادران روسی شان پیوند می دهد، هرگز. برای غرب پایان جنگ سرد به عبارتی می بایست همزمان به معنای پایان نفوذ روسیه در بالکان نیز باشد. جمهوری غیر متعهد یوگوسلاوی به منافع متفاوت دو جبهه شرق و غرب، توازن می بخشید و این برای دو طرف نه یک راه حل ایده آل بلکه در نظر به شرایط حاکم، قابل پذیرش بود. امید غرب به استحاله تدریجی این کشور در نظم منطقه ای خود با به قدرت رسیدن ملی گرایان افراطی صرب و در نتیجه به هم خوردن توازن استراتژیک با روسیه در بالکان، نقش بر آب شد و بدین ترتیب سیاست تضعیف یوگوسلاوی به هر قیمت و با هر

وسیله و تجزیه آن در همان محوری که امپراتوریهای عثمانی و هابسبورگ را از یکدیگر جدا می کرد، به راهنمای عمل آمریکا و اروپای غربی در برخورد به مسأله بالکان تبدیل گردید. آلمان با به رسمیت شناسی اسلوانی - که بی شک بدون توافق هم پیمانان این کشور قابل تصور نیست - جهت مادی سیاست مزبور را روی میز دیگر تمایلات جدایی طلبانه در جمهوریها و واحدهای خودمختار یوگوسلاوی قرار داد. و بدین سان ماشین ویرانگر تجزیه یوگوسلاوی که حداقل تا به کنون به قیمت جان صدها هزاران نفر، آوارگی میلیونها تن، هزاران میلیارد دلار خسارت و نابودی ساختار اقتصادی این کشور تمام شده است، به جنبش در می آید و در پس خود قطعات جغرافیایی پراکنده ای بر جای می گذارد که هویت ساکنان آنها را نفرت از نژادها، اقوام و پیروان مذاهبی که در همسایگی شان زندگی می کنند، تعیین می نماید.

دخالته آمریکا و اروپای غربی در این بازی فاجعه بار که ابتدا اشکال محتاطانه و پنهان تری داشت. روز بروز تهاجمی تر، افسارگریخته تر و طبعاً علنی تر می شود. اگر تا دیروز آلمان متحد، سلاحها و تجهیزات ارتش منحل شده آلمان شرقی را با پوششهای گوناگون و به طور دزدانه به دست دارودسته فاشیست «توچمان» در کرواسی می رساند، اکنون این بمب افکنهای اف ۱۱۷ آمریکا، جنگنده های «تورنادو» آلمان و «سلاحهای جادویی» ناتو هستند که بی هیچ پرده پوشی و در غریب هلهله «رسانه های آزاد» به پرواز در می آیند و این نه فلان سرکرده گمنام محلی بلکه ژنرالهای ناتو هستند که کنفرانس مطبوعاتی روزانه برپا می کنند و فیلم ویدئوی «شاهکارهایی» را به نمایش می گذارند که آمران و کارگزاران آنها حتی طبق قوانین نظامی «جوامع متقدم» غرب، به راحتی می توانند به دلیل ارتکاب بدانتها به عنوان جنایتکاران جنگی شناخته شده و به تریبونالهای بین المللی سپرده شوند.

۲- پلنوم حزب دموکرات در این باره چه می گوید؟  
«کمیته مرکزی بحثی نیز در مورد جنگ فعلی بالکان داشت. در این بخش (پلنوم) حمایت کامل خود را از حقوق مشروع مردم کوزوو ابراز داشت و کشتار مردم کوزوو به دست نیروهای یوگوسلاوی را محکوم کرد. در همان حال پلنوم عکس العمل پیمان ناتو در رابطه با کشتار مردم مصیبت دیده کوزوو را پدیده ای امیدوار کننده در مبارزه خلقهای تحت ستم توصیف کرد. زیرا این امر را سرآغازی برای خاتمه بخشیدن به این واقعیت تلخ ارزیابی نمود که صدها سال است جامعه جهانی در برابر سرکوب و کشتار خلقهای تحت ستم با این بهانه که جزو مسائل داخلی کشورها است، سکوت اختیار کرده است.» (کوردستان، شماره ۲۷۰، اردیبهشت ۱۳۷۸)

شاید حضور فعالانه آن دسته احزاب حاکم اروپایی که در عین حال عضو بین الملل سوسیالیستی هم هستند در جنگ بالکان، وظیفه ابراز همبستگی را بدین گونه برای حزب دموکرات مادی کرده باشد. شاید محظوریتهای معینی نیز (اتفاقاً از این زاویه) این حزب را به اعطای نقش رهائیبخش به پیمان نوع جنگ سردی ناتو وارد نموده ... این نوشته قصد پرداخت به چنین احتمالاتی را ندارد و فرض را بر این می گذارد که رویکرد حزب دموکرات نه از حسابگری محدود سیاسی بلکه از اعتقاد و خط مشی ناب خود نشأت می گیرد، در این صورت هیچ تحلیلی بهتر از رویدادهایی که برخی از آنها درست در برابر دیدگان حزب جریان یافته یا می یابند، نمی تواند خطا بودن این دست تصورات را به معروض نمایش بگذارد. به راستی اگر انگیزه ناتو برای جنگ افروزی در یوگوسلاوی، شکست «سکوت در برابر سرکوب و کشتار خلقهای تحت ستم» می باشد چگونه است که یک عضو این بنیاد

## جنگ یوگوسلاوی از دریچه دید حزب دموکرات

بقیه از صفحه ۱۳

نیوکواری، ترکیه، سالهاست رسماً و علناً تصفیه نژادی و فرهنگی کردها را به رسالت خویش تبدیل کرده و آن را به لطف حمایت‌های گسترده سیاسی، مالی و نظامی متحدین خود در ناتو به مرحله اجرا می‌گذارد؟ آنچه که اخیراً بر سر عبدالله اوجلان آمد اولین و به یقین آخرین مورد وحدت عملی و نظری اعضای این پیمان پیرامون چگونگی برخورد به «خلقهای تحت ستم» نبود و نیست اما یکی از آشکارترین نمونه‌هایی است که میزان آمادگی آنها برای خاموش کردن نغمه‌های ناسازگار حتی به قیمت زیرپا گذاشتن قوانین داخلی خودشان را نشان می‌دهد. همین ناچیان حقوق خلقها، اوجلان را ماهها از این فرودگاه به آن فرودگاه دست به سر می‌کنند، از شناسایی ابتدایی ترین حقوق وی، از جمله حق پناهندگی، خودداری می‌نمایند و سرآخر نیز به مدد ردیابی و حمایت‌های لجستیکی آنهاست که اوجلان بسته بندی شده و آماده ذبح به مأمورین امنیتی ترکیه تویین داده می‌شود.

تکنیک حزب دموکرات متأسفانه توضیح نمی‌دهد که با استناد به کدام شواهد و دلائل و اساساً بر پایه تحلیل چه روند و پروسه آغاز شده یا به اتمام رسیده‌ای ناگهان پیمان نظامی ناتو را به چنین جایگاهی ارتقا می‌دهد اما در همان حال از یاد نمی‌برد که اقدام نظامی ناتو در یوگوسلاوی را به پای «جامعه جهانی» بنویسد و بدین گونه عمداً یا ناخودآگاه با این همانی کردن دو واقعیت مشخص و متفاوت، به تبلیغ استراتژی جدید ناتو مبنی بر قائل شدن نقش پلیس جهانی برای خود و استقلال مطلق از نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن بپردازد. جنگ کوزوو بی شک در این زمینه، نقطه تکوین یک تحول نگران کننده در مناسبات بین المللی به شمار می‌آید. اگر چه عملکرد شورای امنیت و سازمان ملل در گذشته موجب برانگیختن انتظارات فوق العاده‌ای در رابطه با مهمترین معضلات کشورهای پیرامونی نشده اما تعادل سیاسی موجود در شورای امنیت، حداقل دایره اقدامات یکجانبه و خارج از مدار موازنه قدرت میان اتحاد شوروی و ایالات متحده را محدود می‌ساخت. امری که ایجاد حوزه‌های نفوذ را به دنبال خود داشت و طبعاً اینجاست و آنجا موجب پدید آمدن روزه‌های سیاسی - اجتماعی معینی شده و احیاناً امکاناتی را در فراسوی مرزهای کنترل آمریکا به دست می‌داد. پایان جنگ سرد، از سوی برخی خوش بینان به عنوان آغاز دوره‌ی جدیدی در مناسبات بین المللی و تقویت نهادهای فراگیر جهانی و در مرکز آنها سازمان ملل متحد تلقی شد. جنگ کویت این ارزیابی را تقویت کرد، بدون آن که انگیزه‌ها و منافع متفاوت و ناهمگونی که «متفقین» را زیر پرچم رهایی کویت گرد آورده بود، در نظر گرفته شود.

دور زدن شورای امنیت توسط آمریکا در جنگ کوزوو، یک بار و برای همیشه افسانه ارزشهای جهانشمول و ارگانه‌های بین المللی پاسدار آنها را به بایگانی آرزوهای بزرگ سپرد. مفهوم سیاسی بمباران تقریباً روزانه عراق که ماههاست به طور خودسرانه و بدون هرگونه وکالت بین المللی از سوی آمریکا انجام می‌گیرد، چیزی جز این نیست.

هر جریان سیاسی جدیدی که استفاده از اهرمهای بین المللی برای به کرسی نشاندن یک مطالبه دموکراتیک را به بخشی از استراتژی خود تبدیل کرده باشد، می‌بایست به جای دفاع از یک تازی قدرتهایی که جهان را حیاط خلوت خود تصور می‌کنند، خواهان تقویت نهادهای بین المللی، دموکراتیزه شدن آنها و افزایش نقش و تأثیر کشورهای با اصطلاح پیرامون باشد.

## آینده نقش از زنان دارد (۵)

بقیه از صفحه ۱۲

- خوب، به عقب که نمی‌شود برگشت. نمی‌توان طوری رفتار کرد که انگار دوران صنعتی و تکنولوژی پیش نیامده و ما هرگز وارد این عصر نشده ایم. نه، دیگر از آن نوع بازگشت به دامن طبیعت - که همگی در زراعت زمین و کارهای فابریک شاغل باشیم و به کسوت بزرگ و صنعتگر و پیشه‌ور درآییم - خبری نخواهد بود. چنین چیزی شدنی نیست. از آن زمانی که دفتر تاریخ بشر گشوده شده، پا به پای اکتشافات و تحولات جاری، حال و روز انسانها نیز دگرگون شده است. جلوی این فراگرد را یقیناً نمی‌توان گرفت. اهم مسأله بیشتر این است که تا چه اندازه می‌خواهیم بر این فرآیند آگاهی و اشراف داشته باشیم و با چشم باز این اندیشه نقاد در روال آن مداخله کنیم. از این بابتها، البته آشکارا کم و کسری زیادی وجود دارد. مشکل در این است که نقد و تحلیل شرایط جدی گرفته نمی‌شود و صاحبان قدرت می‌گذارند روند امور، بدون تغییر و تحول لازم و به موقع، همین طور که هست ادامه پیدا کند، لابد تا سرانجام تمام قوای حیاتبخش طبیعت تخریب شود و از بین برود و با انسان به دست خود نابود گردد.

امید من آن است که با تقسیم شدن قدرت میان زن و مرد، عقل و حکمت بیشتری وارد میدان شده و شیوه‌های رایج و ارزشگزارهای کنونی مورد خرد گیری بیشتری قرار گیرد و روحیه انتقاد قوت پیدا کند.

- نمی‌توانیم جسای کلمه قدرت واژه دیگری بگذاریم؟ شاید لفظ نفوذ مناسبتر باشد. بدی کلمه قدرت این است که به سادگی به مفهوم خشونت و روابط رئیس مرئوسی نزدیک می‌شود.

- می‌شود مطلب را به این صورت هم عنوان کرد: خواست ما این است که مرد و زن به طور متساوی به امور جامعه و کارهای خانواده رسیدگی کنند و آگاهانه مسئولیتی برابر بپذیرند. می‌خواهیم که زن و مرد، هر

آنچه که در این رابطه به طور واقعی به برآورده ساختن حقوق ملی خلقها یاری می‌رساند نه گشودن درب مداخله گری و انطباق سیاسی با حوزه‌های «منافع حیاتی» بلکه تأکید بر مناسبات عادلانه و برابر در سطح جهانی است. کافی ست نگاهی به کردستان عراق انداخته شود و آنچه که در این منطقه در حال جریان است را دید. ایجاد دو منطقه نفوذ، تحت تسلط «اتحادیه میهنی» و «حزب دموکرات کردستان عراق» که حقیقتاً هیچ امکان سیاسی و متأسفانه نظامی را برای تضعیف یکدیگر از دست نمی‌دهند، در خدمت کدام منافع است؟ بی شک این مردم کردستان عراق نیستند که خواهان برادری، اقتصاد نابسامان و فاجعه بار، شرایط سیاسی غیر دموکراتیک و آوارگی می‌باشند. پاسخ این سؤال را آنها می‌باید بدهند که آقایان طالبانی و بارزانی را هر از چند گاهی به واشنگتن دعوت کرده و سپس با یک قرارداد صلح زیر بغل و اندکی صدقه مالی به سمت کردستان روانه می‌سازند تا بازی دوباره از سر گرفته شود.

اجازه بدهید از «رواندا» جایی که تنها ظرف سه ماه، هشتصد هزار نفر در درگیریهای قومی کشته شدند. از کشمیر، باسک، ایرلند، مکزیک، کنگو و ویرجینیا. عاقل را اشارتی کافی است.

ژوئیه ۹۹

دو، از امکانات و اعمال نفوذ یکسان برخوردار باشند تا بتوانند خواسته‌هایی را در عمل به کرسی نشانند که نسبت بدانها مسئولیت قبول می‌کنند.

### اعتماد به نفس

• از چه راهی می‌شود قوه شهامت زنان را قوت بخشید که بیشتر مسئولیت بپذیرند، با خودآگاهی و اعتماد به نفس بیشتر پا به میدان نهند و بر شأن و مرتبه خویش بیشتر تکیه کنند؟ چگونه می‌شود این کار را کرد؟

- به باور من، انجام این کار اصلاً در عهده و توان دیگران نیست. این خود زنها هستند که احتمالاً می‌توانند جرأت و شجاعت خود را بیشتر کنند، از چه راه؟ از راه تأمل و تعمق در مسائل اندیشه کنند و ببینند که رفتارشان را نسبت به همسرانشان، دیگر زنها و نیز نسبت به جامعه چگونه باید تنظیم کنند. زنها هستند می‌باید و می‌توانند در باره مسائل جاری فکر کنند و ببینند حشر و نشرشان چه عواقبی دارد و از روشهای تعلیم و تربیت جاری چه نتایجی حاصل می‌شود. آن چه به نظر من اهمیتی خاص دارد این است که مردان و زنان، هر دو طرف از اصول و ارزشهایی که مبانی رفتار و کردار و روش تربیت می‌باشند، آگاهی یابند. البته، این که آدم چگونه در جزئیات امر از احاطه و تعیین ارزشها بر رفتارهای شخصی، روابط شغلی، خانواده و معاشرت زن و مرد سر درمی‌آورد، خودش کلی تفصیل دارد و کاری است که کم و بیش هر فرد خودش باید دنبالش را بگیرد. توجه داشته باشیم که دشواری قضیه فقط در این نیست که مردها، فرضاً از زیر بار کارهای خانه و بچه‌ها شانه خالی می‌کنند، بلکه اغلب این طور هم هست که زنها، با وجود سنگینی امور خانه، به نظرشان ساده تر می‌آید صرفاً به همان نقش زن خانه دار و مادر بچه‌ها قناعت کنند. چون که از رو به رو شدن با امور ناآشنای خارج خانه واهمه دارند. خوب، این حالت یک تجربه عمومی است که وقتی آدم می‌خواهد جایی برود که مسیر برایش آشناست. دغدغه‌ای ندارد و با علاقه راه می‌افتد به سمت محل. اما اگر مقصد ناآشنا و آدم راه ناپد هم ناچار باشد دایم پرس و جو کند و ای بسا عوضی برود و گم شود، طبیعی است که چندان رغبتی به رفتن نشان ندهد.

• آیا زنان به طور طبیعی کمتر از مردان حاضرند دل به دریا زنند و خطر کنند؟

- نمی‌دانم. فکر می‌کنم این امر خیلی به تعلیم و تربیت آدم مربوط می‌شود. مردها از همان اول با این فرض تربیت می‌شوند که در آینده به شغل و حرفه‌ای مشغول خواهند شد و بی برو برگرد از چهار دیواری خانه به پهنه اجتماع پر خواهند کشید. در مورد زنها اغلب ماجرا به صورت زیر در می‌آید: ای بابا ول کن، بمان توی خانه، شغل و حرفه اصلی تو گرداندن خانواده، مادر بودن، بچه داری و بزرگ کردن آنهاست... خود شما که بر این جوانب امر حساسی واقفید. بعد زمانی می‌رسد که زن از حوزه خانواده اولیه بیرون می‌آید و بلافاصله می‌چید توی خانه تازه اش، بدون این که از اوضاع و احوال خارج خانه چیزی دستش بیاید و با این امور غریبه آشنا شده باشد. و این رویه البته نادرست است. چون، نه تنها از نقطه نظر منافع جامعه ضرورت دارد که زن در روال رویدادها مداخله نماید، بلکه برای رشد اعتماد به نفس وی هم لازم است با مسائل ناآشنا رو به رو شود، سرش به سنگ حوادث بخورد و اگر لازم شد خطر هم بکند. هر آینه آدم این تجربه را از سر نگذراند، آن وقت چه بسا میل به چیزهای نو، به نواندیشی، مشاهده و شناخت پدیده‌های تازه نیز در او کور شود و یا این میل صرفاً به صورتهای خیالی و فانتزی درآید.

(ادامه دارد)

**آخرین اثر شاملو**

احمد شاملو که به دنبال یک بیماری در بیمارستان بستری شده بود، پس از مرخصی، آخرین اثر خویش را به مردم تقدیم کرد. در یادداشت کوتاهی که آیدا سرکیسیان همسر او نوشته می خوانیم:

به نشانه حداقل سپاس. در جواب مهر بی دریغ مردم که بحران اخیر بیماری شاملو را با آن همه محبت و نگرانی پاسخ گفتند نخستین نشر آخرین شعرش را به یکایک ایشان تقدیم می کند.

آیدا  
تهران - تیرماه ۱۳۷۸

نخست که در جهان دیدم  
از شادی غریو برکشیدم:  
«- من ام، آه  
آن معجزت نهایی  
برسیاره کوچک آب و گیاه!»

آنگاه که در جهان زیستم  
از شگفتی بر خود تپیدم:  
میراث خوار آن سفاهت ناباور بودن  
که به گوش و چشم می شنیدم و می دیدم!

چندان که در پیرامن خویش دیدم  
به ناباوری گریه در گلو شکسته بودم:  
بنگر چه درشت ناک تیغ بر سر من آخته  
آن که باور بی دریغ در او بسته بودم

اکنون که سراچه ی اعجاز پس پشت می گذارم  
به جز آه حسرتی با من نیست:  
تبری غرقه ی خون  
بر سکوی باور بی یقین و  
باریکه خونی که از بلندای یقین  
جاری ست.

**پاسخ به نامه های رسیده**

- آقای فراهانی، نامه شما دریافت شد و نشریه به آدرس جدید برای شما ارسال می شود.

- آقای فرامرز از سوئد، نامه شما دریافت شد. از بابت اشتباهی که در فرستادن فرم آبونمان شده پوزش می طلبیم.

- آقای والی از آمریکا، ۲۰ دلار آبونمان دریافت شد.

- آقای قوامی از آمریکا، ۲۰ دلار حق اشتراک شما دریافت شد.

- آقای هادی از بلژیک، ۵۰۰ فرانک حق اشتراک شما دریافت شد.

- کانون همبستگی ایرانیان - گوتینگن، ۱۰۰ مارک جهت هزینه نشریه دریافت شد.

- آقای بابک لیاقت از هلند، ۲۵ گلدن حق اشتراک شما دریافت شد.

- آقای شاهرخ ب. از آلمان، ۳۰ مارک حق اشتراک شما دریافت شد.

- آقای نظام رجب زاده، ۱۰۰ کرون حق اشتراک شما دریافت شد.

- آقای مجتبی فتحی حق اشتراک شما دریافت شد.

- آقای بازیار از ایتالیا، خانم مریم- س از آلمان، خانم سیمین- الف از آلمان، آقای مسعود- ع از هلند، کانون فرهنگی از سوئد، نشریه شما برگشت خورده است.

- آقای رضاترابی از هلند، ۵۰ گلدن کمک مالی شما دریافت شد.

- آقا یا خانم - سارا ارمنی دو مطلب به نامهای «بر مزار مولانا ملانصرالدین!» و «اتارشیسم!»، «بوی خوش» چای و سیگار و شعار و باروت در خانه های تیمسی! دریافت شد.

- آقای مرعشی دو مطلب با عنوان «احترام و اعتقاد عمیق به رای و نظر مردم» و «هنوزم، بیش از پیش: مقاومت مسلحانه» دریافت شد. متأسفانه به دلیل کمبود جا نتوانستیم در این شماره چاپ کنیم، امیدواریم در شماره های آینده آنها را چاپ کنیم. با تشکر از همکاری شما با نشریه نبردخلق.

**معرفی کتاب**

**تداوم**

تداوم، گفتگویی است با مهدی سامع که در آن به مسائل زیر پرداخته شده است:

- از کجا می آییم
- تاریخچه سازمان
- نظری کلی بر انشعابهای درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- سوسیالیسم - مرگ و تولدی دیگر
- پایه های سوسیالیسم در قرن بیست و یک (مبانی منشور سازمان)
- زن فدایی
- مبارزه مسلحانه
- ما و شورا
- وحدت و جبهه وسیع
- سفر به آمریکای شمالی

- تداوم  
قیمت کتاب معادل ۲۵ فرانک فرانسه، ۷ مارک آلمان و ۵ دلار آمریکا است.

برای دریافت کتاب با ارسال قیمت آن با آدرسهای آلمان، هلند و آمریکا مکاتبه کنید.

**NABARD - E - KHALGH**

Organ of the  
Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas  
Executive Editor: Zinat Mirhashemi  
Published by :  
NABARD CULTURAL ASSOCIATION  
No : 170 23. July . 1999

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN Wageningen HOLLAND ***
NABARD P.O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND ***	NABARD Post fach 102001 50460 Koln GERMANY ***
NABARD P.O Box. 3801 Chantilly, VA 20151 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA ***

E.Meil:  
nabard@club-internet.fr  
nabard@hotmail.com  
صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
در روی شبکه اینترنت  
http:// www.fadaian.org

**نبرد خلق**

**ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

**چاپ: انجمن فرهنگی نبرد**

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD  
B.P 20  
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

**فرم اشتراک نبرد خلق**

Name .....

Address .....

**بهای اشتراک سالانه نبردخلق**

۷۵ فرانک فرانسه  
۱۸ دلار آمریکا  
۷ فرانک فرانسه

**حساب بانکی سازمان**

نام بانک : SOCIETE GENERAL  
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN  
FRANCE  
کد گیشه : 03760  
شماره حساب : 00050097851  
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

**ارس**

**در شبکه جهانی اینترنت**

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبردخلق را مطالعه کنید.

اطلاعیه ها و اعلامیه های سازمان را

مطالعه کنید

از عکسهای قیام دانشجویان، جوانان و

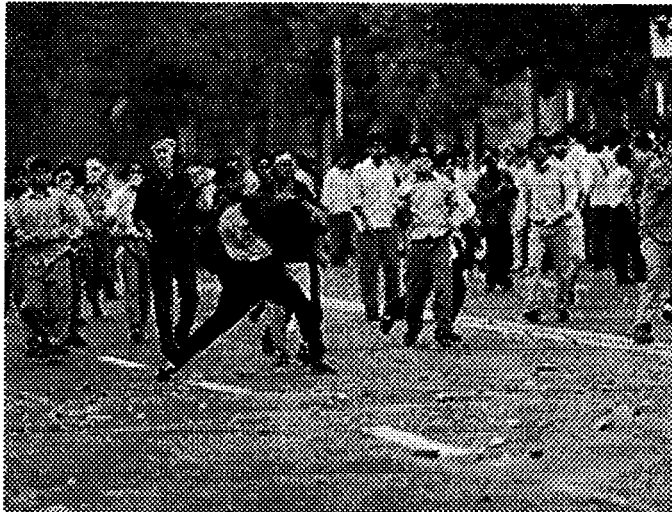
مردم دیدن کنید

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

از دوستان، رفقا و همکاران نبردخلق که مقاله ها، ترجمه ها و گزارشهای آنان به علت کمبود جا در این شماره به چاپ نرسیده پوزش می طلبیم.

## مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی



- کیهان می تواند از نقشی که مطبوعات یاد شده به عنوان ستاد هماهنگی آشوبهای اخیر بر عهده داشته اند پرده بردارد.

کیهان - دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۷۸  
- تازه ترین خبرها پیرامون ماهیت و مأموریت چند گروه سیاسی در آشوبهای خیابانی.

- براساس اعترافات منوچهر محمدی وی و برادرش اکبر در محوطه کوی دانشگاه حضور داشته و شخصاً اقدام به پرتاب کوکتل مولوتف به سوی نیروی انتظامی کرده اند.

- تعدادی از افراد مرتبط با دفتر تحکیم وحدت عده ای از اعضا و هواداران گروهک منافقین و همچنین برخی از اعضای گروهک مارکسیستی چریکهای فدایی خلق و چپ مارکسیستی در بین دستگیرشدگان هستند.

- نامه دردمندان ۲۴ فرمانده ارشد دفاع مقدس به رئیس جمهور

- تا کی باید خون دل بخوریم و با هرج و مرج و توهین تمیز دموکراسی کنیم و به قیمت از دست رفتن نظام صبر انقلابی داشته باشیم؟

- آقای رئیس جمهور اگر امروز تصمیم انقلابی نگیرید و رسالت اسلامی و ملی خودتان را عمل نکنید فردا آنقدر دیر و غیر قابل جبران است که قابل تصور نیست.

- این نامه را سرداران سپاه: غلامعلی رشید عزیز جعفری، محمدباقر قالیباف، قاسم سلیمانی، جعفر اسدی، احمد کاظمی، محمد کوثری، اسدالله ناصح، محمدباقری، غلامرضا محرابی، عبدالحمید رشوقی نژاد، نورعلی شوشتری، دکتر علی احمدیان، احمد غلامپور، یعقوب زهدی، نسبی الله رودکی، علی فدوی، غلامرضا جلالی، امین شریعتی، حسین همدانی، اسماعیل قآئی، علی فضلی، علی زاهدی و مرتضی قربانی امضا کرده اند.

تمامی عکسهای این شماره نبردرخلق از خبرگزاری رویتر است.

- حبیب الله عسکراولادی نقش مطبوعاتی که در شیپور خشونت میدهند و در تشدید بحران فعال بودند باید بررسی شود.

کیهان - شنبه ۲۶ تیر ۱۳۷۸  
- بسیج دانشجویی دانشگاه تهران نقش دفتر تحکیم وحدت را در وقایع اخیر افشا می کنیم.

- راهپیمایی غیر قانونی چند ده نفری اعضای دفتر تحکیم وحدت در خارج از کوی دانشگاه تهران نقطه آغاز حمله به دانشجویانی بود که هیچ دخالتی در حوادث شب قبل از حادثه نداشتند.

- مقصران پنهان نشوند (یادداشت روز)  
- نباید اجازه داد افراد و جناحها و روزنامه هایی که به قصد رسیدن به منافع سیاسی و گروهی خود برای میدن بر آتش جنگ و خشونت از هیچ کوششی فروگذار نکردند رنگ عوض کنند.

کیهان - یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۷۸  
- ارزیابی عملکرد دوگانه روزنامه های همسو با بیگانه قبل و بعد از اغتشاشات خیابانی

- نشاط برای تهییج دانشجویان و مردم خبر مرگ دانشجویی در حوادث کوی دانشگاه را می دهد.

- روزنامه خرداد ... ما از رژیم گذشته انتقاد می کردیم که زبان دانشجو را می بندد. آیا این گواراست که همین اتفاق در جامعه اسلامی بیفتد.

- روزنامه صبح امروز نوشت: بازگشت خونین سپاه جامگان گروه فشار در جریان اعتراض دانشجویان آخرین حرکت یک جناح سیاسی برای گریز از دست ۶۰ میلیون طلبکار است.

- اکنون به آسانی و بدون کمترین ابهام و پیچیدگی می توان نتیجه گرفت که در آشوبهای اخیر و در اجرای طرح توطئه سرپسهای اطلاعاتی بیگانه برخی از روزنامه های داخلی مأموریت پشتیبانی تبلیغاتی این طرح را برعهده داشته اند و در این ماجرا به وضوح نقش «ستاد هماهنگ کننده عملیات آشوب» را بازی کرده اند.

جریانهای سیاسی ظرفیت خودشان را بفهمند، لقمه های بیشتر از دهانشان برندارند. این کارهای بزرگتر را با یک عده جوان هر چند خوش نیت و خوب و علاقمند نمی شود انجام داد.

- یکی از مطالبات آقایان محکوم فرض کردن نیروی انتظامی در حادثه کوی است. این محکومیت در کدام دادگاه به اثبات رسیده است؟

- از کجا معلوم کسانی که قبل از حادثه کوی در برخورد با نیروی انتظامی دست به تیراندازی زدند و گروگانگیری کردند و بعد از حادثه کوی هم فبیح ترین صحنه ها را پدید آوردند در تخریب کوی دانشگاه سهیم نباشند؟!

رسالت - یکشنبه ۲۷ تیرماه  
+ مظفر وزیر آموزش و پرورش در گفتگو با روزنامه جمهوری اسلامی: تیتیر برخی روزنامه ها بوی خون می دهد.

- برخی از مطبوعات در قضیه اخیر به مردم و جامعه خیانت کرده و از اوباش و ارانل حمایت کردند.

- آیا تحریک دانشجویان توسط روزنامه های خرداد، صبح امروز و نشاط در صبح قبل از آغاز تشنج و درگیری در کوی دانشگاه بحران سازی علیه دولت نبوده است.

- وزارت اطلاعات اعلام کرد گروهکهایی که از خارج پشتیبانی می شدند در آشوبهای اخیر نقش داشتند.

- محمدرضا باهنر گفت: آیا تاکنون به مردم گفته شده که در تظاهرات نیمه شب کوی دانشگاه به مردم عادی و خودروهای عبوری تعرض و لاستیک آتش زده شده است؟

- ساکنین کوی دانشگاه شهادت داده اند که عده ای افراد نقابدار در آن شب در شکل گیری و تحریک دانشجویان فعال بوده و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف به مأمورین نیروی انتظامی از سوی این گروه شروع شده است.

- چه کسانی از درب دیگری غییر از درب اصلی کوی دانشگاه وارد کوی شدند و دو ساختمان از خوابگاه دانشجویان را به آتش کشیدند؟

- چند نفر از عوامل حزب ملت ایران و گروهک وابسته طبرزدی به علت زمینه سازی برای ایجاد حوادث اخیر تهران بازداشت شده اند.

رسالت - دوشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۷۸  
- تشکیل گروههای فشار دانشجویی برای ترویج خشونت و درگیری

- محمدی به همراه غلامرضا مهاجری نژاد سال گذشته با سفر به ترکیه و آمریکا با ضدانقلاب ارتباط داشته است.

- مگر نه آن که در جریان تظاهرات غیر قانونی در تبریز یک طلبه جوان بسیجی توسط یک دانشجوی منافق به شهادت رسید؟ چرا آقایان در این خصوص سکوت کرده اند؟

- در جریانات اخیر بعضی مطبوعات از کسانی که کشته نشده بودند، شهید درست کردند ولی از شهادت محمد جواد سخنی به میان نیاوردند.

## چگونه «قلب» خامنه ای «جریحه دار» شد

روزنامه های رسالت و کیهان که وابسته به خامنه ای هستند، از روز چهارشنبه ۲۳ تیر و پس از شکست مفتضحانه ضد تظاهراتی که خامنه ای برپا کرد و جناح خاتمی و رفسنجانی هم از آن حمایت کرده بودند، از یک طرف قیام دانشجویان، جوانان و مردم را «آشوبگری»، «شهرات» و اقدامات «ضد انقلاب»، ارازل و اوباش» نامیدند و از طرف دیگر خاتمی را که با عقب نشینی مفتضحانه اش در جریان دانشگاه مشقت خود را باز کرد، تحت فشار قرار داده اند. خامنه ای در روضه خوانی روز دوشنبه ۲۱ تیر صحبت از «قلب جریحه دار» شده اش کرد، اما او عتت واقعی این امر را نگفت و به دروغ از حمله ارازل انصار حزب الله و نیروهای سرکوبگر انتظامی اظهار براثت نمود. در زیر چند نمونه از مطالب روزنامه های رسالت و کیهان را برای درک علت جریحه دار شدن قلب خامنه ای چاپ می کنیم.

رسالت - چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۳۷۸  
- هشدار دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به عناصر فرصت طلب، اخلاکگر و ضد انقلاب

- مردم تبریز در مراسم تشییع جنازه شهید محمد جواد فرهمنگی: منافق کجایی حزب الله، آمده، مرگ بر قلم به دست مزدور

- در شرایطی که مردم از وحشیگریهای آشوب طلبان و تخریب کنندگان اموال عمومی به خشم آمده اند، متأسفانه چند روزنامه مدعی قانونمندی مانند خرداد، نشاط و صبح امروز هیچگونه موضع گیری علیه این خشونت طلبیها نداشته اند

- شب گذشته تعدادی از عناصر آشوب طلب در رجایی شهر کرج قصد ایجاد حرکتی خشونت طلبانه و تخریب اموال مردم را داشتند که با کمک نیروهای انتظامی و بسیجی سرکوب شدند.

- اطلاعیه شماره ۲ شورای منتخب متحصنین شب گذشته صادر شد. در این اطلاعیه مجدداً خواسته های غیر قابل قبول مطرح شد.

رسالت - شنبه ۲۶ تیر ۱۳۷۸  
- مجوز راهپیمایی در خارج از کوی دانشگاه از طرف هیچ مرجعی به دانشجویان داده نشده بود.

- دکتر احمدی نژاد عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت در گفتگو با رسالت: طراحان جنگ روانی نیاز به چند جنازه برای تشدید بحران دارند.

- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: مارهای خفته امروز به حرکت در آمده و بیابیه می دهند جریانهای سیاسی لقمه های بیشتر از دهانشان بر ندارند.